

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در دوره کارشناسی ارشد

(مورد مطالعه: گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی)^۱

Reviewing and Presenting the Proposed Curriculum in the Field of Educational Sciences in the Master's Degree Course

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۸/۱۲، تاریخ ارزیابی: ۱۳۹۹/۴/۱۳، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۹/۵/۲۰

Fateme Nasrollahinia, Dr. Jamileh
Alamolhoda

Abstract: The present study is conducted with the aim of reviewing the curriculum of the field of educational sciences (management and planning of higher education) in the master's degree course and presenting the proposed curriculum for this course. The method of this research is qualitative and descriptive-analytical; For this purpose, the study area of this research includes faculty members in the field of management and planning of higher education in Shahid Beheshti University, non-profit University of Science and Culture and the Institute of Research and Planning of Higher Education and Science. The graduates of this field are in Shahid Beheshti University. In addition, the qualitative analysis based on categorization has been used in order to analyze the information obtained from the interviews. According to the results of the study, the existing curriculum drawbacks in the field of educational sciences could be categorized in three groups including drawbacks of present curriculum approach and principles; present curriculum drawbacks in proportion to necessary but neglected courses; and drawbacks of divisions and topics in the present curriculum. Also management-orientation curriculum and higher education planning in the master's degree course are presented and proposed based on the pathology of the current situation of the curriculum and reviewing the views of professors, graduates and experts in the field of excellent management and planning regarding the four main elements of the curriculum (purpose, content, teaching-learning activities and assessment methods).

Keywords: review, pathology, proposed curriculum, management, planning, higher education, master's degree.

فاطمه نصراللهی نیا^۲، دکتر جمیله علم الهدی^۳

چکیده: پژوهش حاضر با هدف بازنگری برنامه درسی رشته علوم تربیتی، (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی) در دوره کارشناسی ارشد و ارائه برنامه درسی پیشنهادی برای این دوره، انجام شده است؛ روش این پژوهش کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی است؛ بدین منظور، حوزه‌ی مورد مطالعه‌ی این پژوهش، شامل اعضای هیأت علمی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در دانشگاه‌های شهید بهشتی، دانشگاه غیر انتفاعی علم و فرهنگ و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و دانش-آموختگان این رشته در دانشگاه شهید بهشتی است؛ همچنین در این پژوهش، جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات بدست آمده از مصاحبه‌ها، از تحلیل کیفی مبتنی بر مقوله‌بندی استفاده شده است. با توجه به نتایج به دست آمده از پژوهش، آسیب‌های برنامه درسی موجود رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی) در سه گروه آسیب‌های رویکردی و اصولی برنامه درسی موجود، آسیب‌های برنامه درسی موجود در نسبت واحدهای درسی ضروری، اما غفلت شده و آسیب‌های واحدها و سرفصل‌های برنامه درسی موجود، تقسیم شده اند که هر کدام از این سه گروه، شامل مقوله‌های متعددی می‌باشند. همچنین از طریق آسیب‌شناسی وضعیت موجود برنامه درسی و بررسی دیدگاه‌های اساتید، دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی عالی در خصوص عناصر چهارگانه اصلی برنامه درسی (هدف، محتوا، فعالیت‌های یاددهی-یادگیری و روش‌های ارزشیابی)، برنامه‌درسی گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در دوره کارشناسی ارشد، ارائه و پیشنهاد داده شده است.

کلمات کلیدی: بازنگری، آسیب شناسی، برنامه درسی پیشنهادی، مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، دوره کارشناسی ارشد.

^۱ این پژوهش، برگرفته از طرح پژوهشی با عنوان «بازنگری برنامه درسی دوره‌های کارشناسی ارشد رشته‌های علوم تربیتی» است و کارفرمای آن شورای تحول علوم انسانی شورای عالی انقلاب فرهنگی است.

^۲ دانشجوی دکترا، گروه آموزش عالی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

fatemehnasrollahinia@gmail.com

^۳ دانشیار، گروه رهبری و توسعه آموزشی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.

alamolhodaj@gmail.com

مقدمه

دانشگاه به مثابه نهاد علم و توسعه در بستر رویدادها و تحولات مختلف، تغییرات جدی پیدا کرده است؛ تحولات پرشتابی که در سطح جهان موجب ظهور نسل‌های دانشگاهی در پی یکدیگر شده است؛ به طوری که "دانشگاه نسل‌های بعدی در هر زمان، به عنوان یک نوع مخالفت با برخی از پدیده‌ها و گرایش‌های اجتماعی، فرهنگی و با ماهیت خود دانشگاه، ایجاد می‌شود، و به دنبال نوعی نوآوری و اقدامات جدید اجتماعی و انسان‌شناسی می‌باشد". (لاپتوا و افیمو،^۱ ۲۰۱۶: ۲۶۸۷). در واقع، شکل‌گیری نسل‌های دانشگاهی به این واقعیت اشاره دارد که "امروزه دانشگاه‌های مدرن، با رقابت جهانی مواجه هستند و قادر به تأثیر فعالانه بر روند فرایندهای اجتماعی، اقتصادی و منطقه‌ای که در آن قرار دارند، می‌باشند" (لوکوویس و زوتی^۲، ۲۰۱۵: ۴۱)؛ ردپای تغییرات و تحولات جهانی به طور واضحی در نظام آموزش عالی ایران هم قابل مشاهده است و روند این تغییرات و تحولات موجب ایجاد مسائل و چالش‌هایی در نظام آموزش عالی کشور شده است؛ پاسخگو نبودن آموزش عالی به نیازهای بازار کار و عدم تربیت دانش‌آموختگان متناسب با نیازهای بازار کار، جزیره‌ای عمل کردن دانشگاه‌ها، گسترش بی رویه دانشگاه‌ها بدون توجه به سیاست‌های آمایش سرزمین، نحوه اعتلا و ارتقای اعضای هیأت علمی و ارزیابی عملکرد آن‌ها از طریق تولید محصولاتی به نام مقالات علمی، رشد سریع آموزش عالی، عدم رشد کافی اقتصاد و بیکاری نیروهای تحصیل کرده در پی آن و همچنین، گسستگی ارتباط دانش‌آموختگان با دانشگاه‌های محل تحصیل، بخشی از مسائل و چالش‌های نظام آموزشی عالی کشور است که اگر سیاستگذاران و مدیران آموزش عالی در حل آن‌ها، اقدامی نکنند منجر به عدم نقش‌آفرینی نظام آموزش عالی در تولید علمی کشور و تربیت و مهارت‌آموزی خبرگان و متخصصان در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی خواهند شد.

این در حالی است که در اسناد بالادستی به توسعه آموزشی و علمی نظام آموزش عالی کشور، اهمیت خاصی داده شده است؛ بر فرض مثال در برنامه دوم توسعه به مهارت‌افزایی و ارتقای اشتغال‌پذیری دانشجویان از طریق اصلاح و به‌روز‌نمایی برنامه‌ها با رویکرد کاربردی و میدانی؛ در برنامه سوم توسعه به ارتقاء سطح اختیارات دانشگاه‌ها به تناسب جایگاه در نظام سطح‌بندی؛ در برنامه چهارم توسعه به افزایش سطح اثرگذاری بخش خصوصی در توسعه آموزش عالی و در برنامه پنجم توسعه به بومی‌سازی تولید علوم و فناوری بر مبنای اصلاح و طراحی نظام آموزشی و کارآمد کردن آن برای تربیت و نگهداری نیروی انسانی مورد نیاز آموزش با توجه به

¹ Lapteva & Efimov

² Lukovics & Zuti

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

چالش‌های پیشرو، تأکید و توجه شده است؛ از سوی دیگر در نقشه جامع علمی کشور و به خصوص راهبرد کلان ۶ (تحول و نوسازی نظام تعلیم و تربیت اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی به منظور انطباق با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و تحقق اهداف کلان نقشه) و همچنین اقدامات ملی آن، بر هدایت منابع و بودجه‌های آموزشی و پژوهشی نظام آموزش عالی به سوی نیازها و مأموریت‌های ملی و بین‌المللی و انسجام‌بخشی فرایندهای جذب دانشجویان و اساتید، بازنگری و باز تولید محتوا و روش‌های آموزشی و پژوهشی به منظور تعمیق تربیت اسلامی و بومی دانشگاهیان، تأکید شده است.

بنابراین، مسئولیت نظام آموزش عالی فراتر از یک مسئولیت سازمانی است و دانشگاه باید با ذی‌نفعان خارجی و داخلی خود و با جامعه و محیط پیرامونی‌اش در تعامل باشد؛ چرا که امروزه از نظام آموزش عالی کشور، پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری‌های چندگانه انتظار می‌رود؛ به طوری که این نظام آموزشی از یک سو باید با توسعه مرزهای دانش و سیاست‌پژوهی‌ها و مطالعات خود برای نیازها و مسائل جامعه و سایر نظام‌ها و نهادها در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تدابیری و راهکارهایی بیاندیشد و از سوی دیگر باید مسائل و امورات دانشگاه‌ها و مؤسسات تحت پوشش خود را حل کرده و سامان ببخشد. در واقع، نظام آموزش عالی مسئولیت تربیت مدیران، برنامه‌ریزان و متخصصان در زمینه‌های گوناگون اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی کشور را پذیرفته است.

در عین حال، یکی از عرصه‌هایی که می‌تواند مدیران و سیاستگذاران آموزش عالی کشور را در اتخاذ سیاست‌های مطلوب در راستای مواجهه با مسائل و چالش‌های پیش روی آموزش عالی، یاری نماید و جهت‌گیری‌های اسناد بالادستی در خصوص روندهای آینده آموزش عالی را تحقق بخشد، تربیت تحلیلگران و کارشناسان تخصصی در سطح آموزش عالی کشور است؛ این اهمیت در صورتی از اندیشه به عمل در می‌آید که نظام‌های آموزشی جامعه از جمله نظام آموزش عالی کشور با ارتقای کیفیت برنامه‌های درسی خود که یک عنصر مهم در توسعه آموزشی و علمی کشور محسوب می‌شود، بتواند در ارتقای دانش، نگرش و مهارت فراگیران تأثیر چشمگیری داشته باشد؛ در این میان بازنگری و به روز نمودن برنامه‌های درسی با توجه به تحولات و نوآوری‌های گوناگون در عرصه تحولات فرهنگی اجتماعی اقتصادی و تبادل اطلاعات می‌تواند گامی موثر برای مطلوب‌تر ساختن برنامه‌های درسی و در نتیجه رشد و توسعه هرچه بیشتر آن باشد؛ بنابراین، "برنامه درسی در آموزش عالی، ابزار علمی و اجتماعی نیرومندی است که ضمن ترسیم چگونگی انتقال دانش و مهارت‌ها، یک تجربه وسیع علمی برای دانشجویان محسوب می‌شود" (یزدانی، ۱۳۸۸: ۳۸)، تحت تأثیر تغییر و تحولات مفهومی، ساختاری و کارکردی در نظام آموزش عالی قرار گرفته است؛ در واقع، پیشرفت سریع علم و تکنولوژی، گسترش محتوا و برنامه-

های جدید و لزوم انعطاف در برنامه‌های درسی با توجه به این تغییرات و نیاز به پرورش کسانی که بتوانند چنین گسترشی را هدایت کنند، بررسی و ارزیابی برنامه‌های درسی رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی را لازم و ضروری می‌نماید (عبدی، ۱۳۸۴)، چرا که در غیر این صورت پدیده‌ای تحت عنوان «رو به زوال رفتن برنامه درسی» اتفاق می‌افتد، پدیده نابهنگامی که به تدریج اثربخشی دوره‌ها و رشته‌های دانشگاهی را در هاله‌ای از ابهام قرار می‌دهد. (حسینی لرگانی و فتحی واجارگاه، ۱۳۹۷: ۳)

در این میان، "بازنگری برنامه درسی یک بخش مهم از توسعه برنامه درسی در حال اجرا است" (کاستریتز و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۴۵۸) که با "هدف بررسی کیفیت برنامه‌های درسی دانشگاهی از لحاظ میزان توجه به اصول و مبانی اسلامی و اخلاق حرفه‌ای، روزآمد سازی برنامه های درسی در جهت ایجاد قابلیت مهارت ها و توانایی حرفه ای در دانشجویان برای ورود به جامعه و بازار کار، افزایش نگرش میان رشته ای نوآورانه و کارآفرین در برنامه درسی و ایجاد تغییرات ضروری برای ارتقای فرایند تدریس- یادگیری در دوره‌های دانشگاهی صورت می‌گیرد" (تایت، ۱۳۹۶: ۱۵). لذا، این تحولات می‌طلبند که در صورت نیاز، جایگاه و اهداف هر یک از گرایش‌های تحصیلی مورد بازتعریف قرار گیرد و به اقتضا نیز در برنامه و سرفصل دروس مربوطه بازنگری صورت پذیرد؛ در کشور ما نیز، آیین نامه مصوب دهه ۱۳۷۹ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، اختیار بازنگری برنامه درسی را در جهت ارتقای کیفیت آموزش عالی و تسهیل فرایند تغییر برنامه درسی به دانشگاه ها واگذار نمود تا از این طریق دانشگاه‌ها نسبت به تدوین برنامه‌های درسی جدید و بازنگری برنامه های درسی خود متناسب با رعایت اصول و روش‌های علمی برنامه‌ریزی درسی و بهره‌گیری از بررسی‌های کارشناسی و یافته‌های پژوهشی مربوطه و همفکری و مشارکت و صاحب‌نظران سایر دانشگاه‌ها اقدام نمایند؛ با این وجود، بررسی‌های انجام شده در زمینه نظام برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی کشور، نشان دهنده غیر سیستمی و متمرکز بودن این نظام و همچنین کاستی‌هایی همچون غیرمفید، تکراری و غیر کاربردی بودن بسیاری از برنامه‌های درسی تصویب شده برای دانشجویان، سوق دادن دانشجویان به حافظه پروری و نمره محوری بدون توجه به تحقیق و ابتکار، عدم برقراری ارتباط معنی دار میان صاحب‌نظران و کارشناسان به علت فقدان فصل مشترک روش ها، فقدان ارتباط موثر میان نظر و عمل در رشته های تحصیلی و... در برخی از برنامه های درسی نظام آموزش عالی است. همچنین، "یکی از موضوعات و مسائلی که آموزش عالی با آنها دست به گریبان است، ناشناخته بودن مخاطبان احتمالی اثر و ساختار انتخاب محتواها بر طبق آن است (تایت، ۱۳۹۶: ۱۹)؛ "حوزه تدوین و تغییر

¹ Root Kustritz et al

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

برنامه های درسی در آموزش عالی قلمرویی جوان، پویا و در حال رشد است که به طرز عجیبی توسط حیطه های مطالعات برنامه درسی و آموزش عالی مورد غفلت قرار گرفته است" (فتحی ۱۳۹۲: ۶۱). در واقع، "با بررسی شرایط کنونی دانشگاه های کشور، می توان نوعی از برنامه ریزی درسی آموزش عالی را دید که در آن تصمیم گیری پیرامون اهداف و محتوا توسط عده ای خاص و به صورت کاملاً بسته انجام می شود؛ در این نظام، هدف کلی انتقال معلومات و دانش خاص به عده خاصی از افراد جامعه آن هم به شکل تزریقی و تحلیلی می باشد" (عارفی، ۱۳۸۴: ۱۳) و به مهارت آموزی یادگیرندگان جهت مشارکت و تصمیم گیری در جامعه دانشگاهی توجه چندانی نمی شود. از اینرو دانشگاه ها باید اقدامات تشویقی و قانونی لازم را فراهم سازند تا موضوع بازنگری برنامه های درسی به عنوان یکی از وظایف اعضای هیأت علمی و گروه های آموزشی محسوب شود و همواره برنامه های موجود را مورد ارزیابی قرار دهند و اصلاحات و تغییرات لازم را در آن اعمال کنند؛ در این میان، رشته علوم تربیتی، "رشته ای کاربردی بوده و در حل مسائل واقعی مترتب بر زندگی واقعی مستقیماً نقش دارد" (عباسپور و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۳)؛ در واقع، رشته علوم تربیتی، بستر و بافتار آموزش آکادمیک و حرفه ای است؛ هر چند مطالعات متعددی در ایران و سایر جوامع انجام شده که هر کدام از جنبه های خاصی به بررسی برنامه های درسی در آموزش عالی پرداخته اند و عواملی را در این رابطه مد نظر قرار داده اند، با این حال به دلیل حساس و مهم بودن نقش برنامه های درسی در تحقق اهداف آموزش عالی و ضرورت مداومت در امر بازنگری و بهبود برنامه ها، انجام پژوهش های بیشتر و استفاده از نتایج آن ها در هنگام عمل ضروری می باشد؛ به استناد شواهد پژوهشی موجود، محتوای برنامه درسی رشته علوم تربیتی در مقطع کارشناسی ارشد در گرایش مدیریت آموزشی (قلی زاده و همکاران، ۱۳۹۶؛ شادفر، لیاقت دار و شریف، ۱۳۹۰؛ عارفی، ۱۳۸۴؛ یار محمدیان و سلمانی زاه، ۱۳۸۵؛ رسته مقدم، عباسی پور و جلالی دیزجی، ۱۳۹۵)، گرایش برنامه ریزی آموزشی (ملا محمدی، ۱۳۷۹؛ ولی پور، ۱۳۹۰؛ کرمی و فتاحی، ۱۳۹۱؛ بناگر، ۱۳۹۴)، گرایش آموزش بزرگسالان (شفیعی، ۱۳۸۲)، گرایش آموزش و بهسازی منابع انسانی (جهانیان، ۱۳۹۸)، گرایش برنامه ریزی درسی (عبدی، ۱۳۸۴؛ یزدانی، ۱۳۸۸؛ فتاحی، ۱۳۹۰؛ بیرامی، ۱۳۹۲؛ شبیری و شمسی پاکباده، ۱۳۹۴؛ بناگر، ۱۳۹۴؛ جواهری دانشمند و همکاران، ۱۳۹۴ و اسفندیاری، ۱۳۸۷) و گرایش تکنولوژی آموزشی (قهرمانزاده، ۱۳۹۰ و رحمان-پور و همکاران، ۱۳۹۷)، توسط پژوهشگران مختلف مورد ارزیابی و بازنگری قرار گرفته است. با این وجود، بررسی مطالعات صورت گرفته، نشان دهنده این است که هنوز پژوهشی که به طور مستقیم به بررسی، ارزیابی و بازنگری محتوای رشته علوم تربیتی، گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی در مقطع کارشناسی ارشد، پرداخته باشد، انجام نشده است. همچنین، لازم به ذکر است که از زمان اولین تدوین و تصویب برنامه درسی دوره، تاکنون اقدامی برای بازنگری دروس و

سرفصل آن‌ها صورت نگرفته است؛ بنابراین، نیاز مبرمی جهت بررسی و شناسایی تحولات صورت گرفته در حوزه آموزش عالی و رصد مباحث جدید برای انعکاس در برنامه درسی دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی و تغییر و بهبود دروس فعلی و افزودن دروس یا سرفصل‌های احتمالی احساس می‌شود. لذا در پژوهش حاضر، بررسی لزوم تغییر برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در اولویت قرار گرفته است؛ چرا که با توجه به گستردگی کمی دوره‌های مختلف تحصیلی در دانشگاه‌های کشور، ضرورت بررسی محتوای رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی به صورت تخصصی جهت توانمندسازی دانشجویان این رشته برای تجزیه و تحلیل برنامه‌های توسعه دانشگاهی، ارزشیابی فرایندهای مدیریتی و برنامه‌ریزی آموزش عالی، انجام طرح‌های پژوهشی مرتبط با مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی و همچنین توانایی در جهت تشخیص نقاط قوت و ضعف سیستم دانشگاه‌های کشور و آموزش عالی ضروری و با اهمیت می‌باشد؛ به طوری که چنانچه عناصر برنامه درسی موجود در رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی از کیفیت مطلوب برخوردار باشد، دانش‌آموختگان این دوره با کسب شناخت بهتر و دقیق‌تر شرایط فعلی و آینده نظام آموزش عالی برای مواجهه با تحولات و ایجاد تغییرات لازم در این نظام آماده می‌شوند.

پرسش‌های پژوهش

۱. مشخصات کلی برنامه‌های درسی رشته‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در کشور ایران و دانشگاه‌های برتر دنیا چیست؟
۲. برنامه درسی موجود رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در دوره‌ی کارشناسی ارشد با چه آسیب‌هایی مواجه شده است؟
۳. مشخصات برنامه درسی پیشنهادی دوره کارشناسی ارشد رشته‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی چیست؟

چهارچوب نظری پژوهش

بدون شک امروزه، ارایه دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی و درسی، یکی مهم‌ترین کارکردهای آموزش عالی به شمار می‌آید. در این میان، یکی از مشکلاتی که هر نظام آموزشی از جمله نظام آموزش عالی با آن مواجه است، ستیزه‌ای است که میان حفظ و تغییر برنامه‌های درسی آن حاکم است؛ در واقع، "برنامه‌ریزی به نوشتن برنامه ختم نمی‌شود، بلکه فراگردی است که باید مداومت داشته باشد و با توجه به بازتاب نتایج فعالیت‌های انجام شده، اطلاعات و یافته‌های جدید، تغییرات فن و تکنولوژی، پیشرفت دانش و معرفت، دگدگونی منابع و امکانات و تحول اولویت‌ها و مقاصد، دائم ارزیابی و تکمیل شود. (فیوضات، ۱۳۹۰: ۱۷)؛ چراکه "هیچ برنامه درسی ثابت نیست و

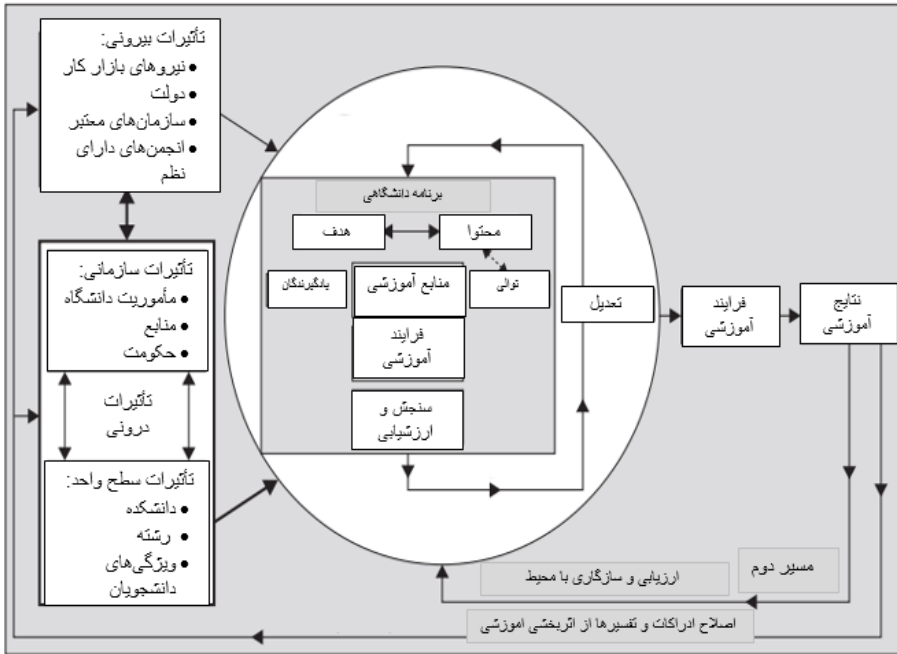
بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

هر برنامه درسی جدیدی یک سکوی پرشی برای دور بعدی بازنگری و تجدید نظر برای بهبود مستمر برنامه درسی است (کاستریتز^۱ و همکاران، ۲۰۱۷: ۴۶۷)؛ بنابراین، بازنگری برنامه‌های درسی، فرایند عملی تدوین برنامه درسی جدید و ایجاد رشته/گرایش متناسب با نیاز جامعه، تحولات علمی و بازار کار است که طی آن دروس دانشگاهی اعم از عناوین دروس، اهداف، تعداد واحدها، سرفصل‌ها و منابع درسی در ابعاد مختلف مورد بازخوانی و اصلاح قرار می‌گیرند. لذا توجه به مبانی برنامه درسی که از آن تحت عوامل تعیین کننده برنامه درسی یاد می‌شود، به عنوان عوامل بنیادی و اساسی تأثیرگذار بر اهداف و محتوای برنامه درسی از یکسو و بازنگری و اصلاح اهداف و محتوای برنامه درسی از سوی دیگر، ضروری می‌باشد؛ بدین ترتیب، فرایند برنامه ریزی درسی دانشگاهی فرایندی بسیار حساس، ظریف و پیچیده است و پرداختن به برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی مستلزم آن است که فرد یا افراد درگیر نسبت به مجموعه علمی که قرار است پروژه در آن اجرا شود بسیار حساس باشند، از ظرفیتهای، توانمندی‌ها، علایق و اولویت‌های دانشجویانی که برنامه برای آنان طراحی می‌شود مطلع باشند و از دانش و تحولات روز رشته مورد نظر آگاهی داشته باشد و منابع امکاناتی را که در اختیار آنان است بشناسند و توان و دانش عملی در زمینه نحوه پژوهش در تدریس یادگیری و سنجش را داشته باشند؛ (قدیمی و محمدی نژاد، ۱۳۹۰: ۹)؛ تمامی این عوامل در بازنگری و تدوین برنامه درسی و هماهنگ‌سازی بیشتر امور فعالیت‌های برنامه‌ریزی درسی با فعالیت‌های شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی باید رعایت شوند؛ از طرف دیگر، استارک و لاتوکا^۲ (۲۰۰۹)، مفهوم برنامه دانشگاهی را شامل عوامل مؤثر درونی و بیرونی بر محیط دانشگاهی می‌دانند. عواملی همچون (هدف، محتوا، توالی، یادگیرنده، منابع آموزشی، فرایند آموزشی، ارزشیابی، اصلاح و یا تغییر برنامه درسی بر اساس نتایج حاصل از ارزیابی برنامه دانشگاهی)، تحت تأثیر تعامل با محیط درونی و بیرونی قرار می‌گیرند و منجر به اتخاذ تصمیمات برنامه درسی می‌شوند؛ در ادامه و در شکل (۱)، به الگوی برنامه درسی دانشگاهی استارک و لاتوکا (۲۰۰۹)، که منطبق با هدف و سؤالات اصلی پژوهش حاضر است، اشاره خواهد شد.

¹ Kustritz

² Stark & Lattuca

شکل (۱): الگوی برنامه درسی دانشگاهی استارک و لاتوکا (۲۰۰۹)



پیشینه پژوهش

با توجه به جایگاه برنامه درسی در آموزش عالی و اهمیت تغییر، بازنگری و بهبود آن در توسعه علمی، پژوهشگران کشور، هرکدام از منظر دیدگاه‌های گوناگونی به بررسی و ارزیابی برنامه درسی دانشگاهی پرداخته و هرکدام نکات و ابعاد ویژه‌ای را مورد توجه قرار داده و ضرورت بازنگری و نوسازی مداوم برنامه های درسی را متذکر شده‌اند که در ادامه به برخی از این یافته‌های پژوهشی اشاره خواهد شد؛

بر اساس یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش وقاری زمهریر و همکاران (۱۳۹۸)، چالش‌های تغییر و اجرای برنامه درسی در دو مقوله کلی چالش‌های مربوط به فرایند بازنگری برنامه درسی و چالش‌های مربوط به فرایند اجرای تغییرات قرار می‌گیرد. در مقوله چالش‌های فرایند بازنگری، اختیار محدود گروه‌های آموزشی، عدم پیش‌بینی امکان ایجاد تغییرات جزئی و متوسط در برنامه درسی، انجام دادن مطالعات پشتیبان، نبود سواد برنامه درسی اعضای هیئت‌علمی و مشخص نبودن انتظارات و در مقوله چالش‌های فرایند اجرا، مقاومت در برابر تغییر و نداشتن انگیزه کافی برای مشارکت در اجرا، نحوه ارائه دروس، کمبود فضا، زمان و امکانات

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

آموزشی، کمبود نیروی انسانی، نبود سازوکار نظارت بر حسن اجرا و حمایت از تغییرات و اجرای آن به‌عنوان مهم‌ترین چالش‌ها شناسایی شدند

یافته‌های پژوهش ایمانی طالب آزاد(۱۳۸۲) با عنوان بررسی چگونگی اجرای «آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه‌ریزی درسی به دانشگاه‌ها نشان داد که عدم توجه به نیازسنجی از بخش‌های جامعه در تهیه و تدوین برنامه درسی، عدم تطابق رشته‌های دانشگاهی با بازار کار، کاربردی نبودن محتوای رشته‌های تحصیلی موجود، عدم مشارکت اساتید در برنامه درسی و عدم توجه به نظارت کارفرمایان و صاحبان صنایع برای گروه‌های آموزشی در طرح برنامه‌ها از مهم‌ترین چالش‌های نظام برنامه درسی موجود می‌باشد؛ یافته‌های حاصل از پژوهش غربا و همکاران(۱۳۹۶)، نشان داد که عدم تخصص افراد در تدوین برنامه درسی، کمبود منابع (انسانی، فنی، مادی)، عدم اعتقاد تربیتی راسخ اعضای هیئت‌علمی دانشگاه‌ها نسبت به نقش برنامه درسی، عدم آشنایی با کاربردهای برنامه درسی در محیط زندگی و کاری، عدم وضوح و شفافیت اهداف و برانگیزانندگی محتوای برنامه درسی، نبود نظارت و ارزشیابی استاندارد از سوی مدیران دانشگاهی، انتصاب افراد غیرمتخصص در پست‌های مدیریتی مربوط به حوزه آموزش و عدم شور و شوق و رغبت دانشجویان جهت کسب برنامه درسی قصد شده از مهم‌ترین دلایل شکاف بین برنامه درسی قصد شده و کسب‌شده می‌باشد؛ طبق یافته‌های پژوهش خسروی(۱۳۹۷)، متغیرهای فرهنگ برنامه درسی، سیاست‌های محیط کلان، ویژگی‌های نوآوری، ویژگی‌های پذیرندگان، توانستند تا حدود ۸۴٫۵ درصد از تغییرات نوآوری در برنامه درسی را پوشش دهند و بر آن تأثیر بگذارند؛ نتایج پژوهش عبدی و همکاران(۱۳۹۶)، حاکی از آن است که توجه به جامعه باید به‌عنوان مهم‌ترین موضوع در تدوین اهداف و محتوای برنامه درسی آموزش عالی در نظر گرفته شود. علاوه بر این، اولویت‌بندی اهداف و محتوای برنامه درسی توسط اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان دکتری نشان داد که در مؤلفه هدف «آموزش حقوق شهروندی» و در محتوا «توجه به نیازهای فرهنگی جامعه» به‌عنوان عامل‌های دارای اولویت نخست شناخته شده‌اند. درمجموع بر اساس یافته‌های این پژوهش، می‌توان گفت که رویکرد و دغدغه اصلی برنامه درسی آینده آموزش عالی ایران، جامعه‌محوری است؛ نتایج پژوهش کرمی و فتاحی(۱۳۹۱)، بیانگر آن بود که از دیدگاه اساتید و دانشجویان مؤلفه اهداف دروس از وضعیت مطلوبی برخوردار نبوده و خواستار تغییر در این مؤلفه محتوای برنامه درسی بودند. در مؤلفه سرفصل دروس نیز به‌استثنا درس پایان‌نامه اساتید و دانشجویان بر این باورند که تغییر در تمامی دروس ضروری است. در مورد عنصر ارزشیابی از دیدگاه اساتید به‌غیراز درس پایان‌نامه بقیه دروس نیازمند بازنگری و تغییر بود؛ درحالی‌که دیدگاه دانشجویان در این عنصر همه دروس نیازمند تغییر بودند؛ یافته‌های پژوهش خسروی و همکاران(۱۳۹۲)، نشان می‌دهد که

میزان توجه به سیاست‌های محیط کلان در آئین‌نامه بازنگری برنامه درسی در حد نامطلوبی قرار دارد و علت این است که در آئین‌نامه بازنگری برنامه درسی هیچ توجهی به سیاست‌های محیطی نشده است و در اجرا نیز متولیان هیچ دستورالعمل یا آئین‌نامه‌ای برای شناخت رویه‌های تأثیرگذاری و تأثیرپذیری از محیط پیرامون در اختیار ندارند؛ یافته‌های پژوهش عطاران و همکاران (۱۳۹۸) با عنوان "طراحی و اعتباربخشی الگوی «بازنگری برنامه درسی تربیت معلم در ایران»"، حاکی از آن است که الگوی بازنگری برنامه درسی تربیت معلم در ایران، می‌تواند در چهار وجه هویتی (تبعیت از دانش برنامه‌ریزی، پذیرش اصل تغییر، عملی کردن تربیت حرفه‌ای و اهمیت سلسله مراتب) و در سه سطح تصمیم‌گیری خرد (سطح اجرای برنامه درسی)، کلان (کلیت عمل بازنگری برنامه درسی) و فراکلان (سیاست‌گذاری‌های برنامه درسی)، مطرح شود؛ همچنین نتایج پژوهش نوروز زاده و همکاران (۱۳۸۵) با عنوان "وضعیت سهم مشارکت دانشگاه‌ها در بازنگری برنامه‌های درسی مصوب شورای عالی برنامه ریزی" نشان داد که نبود زیرساخت‌های مناسب، کمبود نیروهای متخصص و کارآمد در حوزه برنامه‌ریزی درسی، عدم رعایت اصول علمی در مراحل مختلف برنامه‌ریزی درسی، کمبود منابع مالی، نبود الگو یا راهنمای عملی برای برنامه‌ریزی درسی دانشگاهی و نبود الگوی فرایند نظارت و ارزیابی، قرائت حداقلی از برنامه‌های درسی، مقاومت برخی از اعضای هیئت‌علمی در مقابل تغییر برنامه درسی، عدم سازگاری روح واگذاری اختیارات با آزمون متمرکز دوره‌های کارشناسی ارشد و نداشتن انگیزه اعضای هیئت‌علمی برای مشارکت از جمله مشکلات دانشگاه‌ها در خصوص فرایند بازنگری و تدوین برنامه‌های درسی دانشگاهی است؛ نتایج پژوهش نورآبادی و همکاران (۱۳۹۳) حاکی از آن است که تمامی مؤلفه‌های برنامه درسی میان‌رشته‌ای علوم انسانی در نظام دانشگاهی ایران، (شامل اهداف، محتوا و سرفصل‌ها، روش‌های تدریس و ارزشیابی، و نیز دوره‌های بازآموزی) نیاز به بازنگری و تحول بنیادی دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر باهدف بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی، گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در مقطع کارشناسی ارشد و آسیب‌شناسی برنامه درسی این دوره انجام شده است؛ روش این پژوهش کیفی و از نوع توصیفی - تحلیلی بوده است؛ بدین منظور، جامعه آماری این پژوهش را اعضای هیئت‌علمی این رشته در دانشگاه‌های شهید بهشتی، دانشگاه غیرانتفاعی علم و فرهنگ و مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی و دانش-آموختگان این رشته در دانشگاه شهید بهشتی تشکیل داده است که به روش نمونه‌گیری هدفمند و انجام مصاحبه نیمه ساختاریافته، تعداد ۱۸ نفر از اعضای هیئت‌علمی و دانش‌آموختگانی که در

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

این رشته تجربه و اطلاعات غنی داشتند، به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب گردیدند و این کار تا حد اشباع نظری ادامه یافت؛

به‌منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها، از تحلیل کیفی مبتنی بر مقوله‌بندی استفاده شده است. بدین‌صورت که ابتدا، فایل مصاحبه‌ها پیاده‌سازی گردیده و واحدهای تبیینی (عبارت‌ها) که حاوی یک پیام مشخص بودند، استخراج و در مرحله بعدی کدگذاری گردیدند و سپس در ادامه، کدهایی که حاوی محتوا و مضامین مشترک بودند، در یک مقوله قرار گرفتند. برای حصول اطمینان از روایی تحلیل‌ها و یافته‌های تحقیق و قابلیت اعتماد آن‌ها، پیش‌نوشت اولیه گزارش در اختیار ناظر طرح، همکاران طرح و مشارکت‌کنندگان پژوهش قرار گرفت و سعی شد نکته و نظرات آن‌ها دریافت و بازبینی و اصلاحات لازم در گزارش نهایی انجام گیرد.

در ادامه و در جدول شماره (۱) و (۲)، مشخصات افراد مصاحبه‌شونده و نمونه‌ای از شرح استخراج یک مقوله با عنوان «توجه بیش از حد به مباحث ساختاری در برنامه درسی دوره»، آورده شده است؛

جدول (۱): مشخصات افراد مصاحبه‌شونده

ردیف	رتبه علمی	دانشگاه
۱	دانشیار	شهید بهشتی
۲	دانشیار	شهید بهشتی
۳	دانشیار	شهید بهشتی
۴	دانشیار	شهید بهشتی
۵	دانشیار	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
۶	دانشیار	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
۷	استادیار	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
۸	استادیار	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
۹	استادیار	مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی
۱۰	استادیار	علم و فرهنگ
۱۱	دانش آموخته کارشناسی ارشد	شهید بهشتی
۱۲	دانش آموخته کارشناسی ارشد	شهید بهشتی
۱۳	دانش آموخته کارشناسی ارشد	شهید بهشتی

رتبه علمی	دانشگاه	ردیف
دانش آموخته کارشناسی ارشد	علم و فرهنگ	۱۴
دانش آموخته کارشناسی ارشد	علم و فرهنگ	۱۵
دانش آموخته کارشناسی ارشد و دانشجوی دکتری	شهید بهشتی	۱۶
دانش آموخته کارشناسی ارشد و دانشجوی دکتری	شهید بهشتی	۱۷
دانش آموخته کارشناسی ارشد و دانشجوی دکتری	شهید بهشتی	۱۸

جدول (۲): نمونه شرح استخراج و تبیین مقوله «توجه بیش از حد به مباحث ساختاری در برنامه درسی دوره»

ردیف	واحد تبیینی	کدگذاری	مقوله
۱	«به نظر من تأسیس این رشته بر اساس نیازهای سازمانی بوده است. یعنی سازمانی به نام وزارت علوم اومده بر اساس نیاز خودش این رشته رو ایجاد کرده و بر اساس اون طراحی درس و آموزش انجام شده است.»	طراحی رشته بر اساس نیاز سازمانی وزارت علوم و عدم توجه به سایر نیازها	توجه بیش از حد به مباحث ساختاری دانشگاه در برنامه درسی
۲	«اگر ما صرفاً بر اساس نیاز سازمان‌ها رشته را راه‌اندازی نکنیم و مثلاً نیاز یادگیرنده را مدنظر قرار ندهیم که اون دانشجو به چه چیز نیاز دارد و یا این‌که تحولات آینده را مدنظر قرار ندهیم، نمی‌تونیم اتفاقات و تحولات و تغییرات آینده را پیش‌بینی نکنیم چه تحولات جهانی باشه و چه تحولات ملی. باید بر اساس اینکه در چند سال آینده چه تحولاتی رخ می‌دهد، طرح درس بکنیم یا این‌که جامعه علمی به چه چیزهایی نیاز دارد و	کم‌توجهی برنامه درسی دوره به نیازهای دانشجو و محیط دانشگاه و تأکید بیش از حد بر نیازهای سازمانی	

		دانشگاه‌ها به چه چیزهایی نیاز دارند».
	مبتنی بودن برنامه‌ریزی درسی رشته بر نیازهای ساختاری آموزش عالی و عدم توجه به کارکردها	«ما در برنامه درسی این رشته بسیار ساختارگرا عمل می‌کنیم، به‌جای این‌که بر کارکردها توجه کنیم، بر ساختارها تأکید داریم. درحالی‌که به‌جای این‌ها ما باید روی کارکرد توجه داشته باشیم».
	وجود ساختار زدگی در واحدهای درسی رشته و کم‌توجهی به کارکردهای دانشگاه	« دانشگاه هم کارکرد آموزشی دارد، هم پژوهشی و هم خدماتی و هرکدام از این‌ها باید مدیریت خاص خودشان را داشته باشند. و بعد برای هر کدام از این کارکردها بیاییم نیازهایش را مشخص کنیم. ساختار زدگی باعث شده که در برنامه درسی دوره بر اساس ساختار عمل کنیم و به ساختار ورود کنیم».

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، به تفکیک هرکدام از سؤالات پژوهشی، پاسخ آن‌ها آورده شده و سعی شده است تا در حد لازم به یافته‌های پژوهش، اشاره شود.

۱. مشخصات کلی برنامه‌های درسی رشته‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در کشور ایران و دانشگاه‌های برتر دنیا چیست؟

بدین ترتیب، با توجه به موارد ذکر شده در خصوص اهمیت بازنگری و تجدیدنظر در محتوای برنامه‌های درسی دانشگاهی از یکسو و هدف پژوهش حاضر، مبنی بر بازنگری برنامه درسی رشته آموزش عالی (در مقطع کارشناسی ارشد)، از سوی دیگر، در ادامه به معرفی رشته آموزش عالی در کشور ایران و چند کشور دنیا، پرداخته می‌شود:

الف) برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در کشور ایران

برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، در اوایل دهه ۸۰ توسط گروه علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی با همکاری موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی تدوین شد و به تصویب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری رسید و برای اولین بار در سال ۱۳۸۲ در دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید بهشتی برگزار شد. این دوره تا سال ۱۳۸۵، صرفاً از میان کارکنان و کارشناسان وزارت علوم، سازمان سنجش و دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و پژوهشی وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری اقدام به پذیرش دانشجو می‌کرد. بعد از این مقطع، ورود به این دوره از رشته‌های دیگر بعد از گذراندن دوره کارشناسی مجاز شناخته شد. در حال حاضر، دانشگاه شهید

بهشتی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، دانشگاه غیرانتفاعی خاتم (تهران) و دانشگاه غیرانتفاعی علم و فرهنگ (تهران) این دوره را برگزار می‌کنند. در واقع، مطابق سند برنامه درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی وزارت علوم، «تربیت کارشناسانی که بتوانند در زمینه مسائل مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی و دانشگاهی، مهارت‌های آموزشی و پژوهشی لازم را دارا باشند»، «ایجاد توانایی جهت تشخیص نقاط قوت و ضعف یک سیستم آموزش عالی»، «آشنایی با انواع مدل‌های مدیریتی در دانشگاه‌ها و توانایی تجزیه و تحلیل آن‌ها» و «توانایی تجزیه و تحلیل برنامه‌های بخش آموزش عالی در چهارچوب برنامه‌های کلان توسعه و ارائه خط مشی‌ها و برنامه‌ها»، اهداف تفضیلی برنامه رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی می‌باشد:

همچنین نقش و توانایی فارغ‌التحصیلان این رشته به شرح زیر است:

الف) شایستگی عهده‌دار شدن مسئولیت مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در سطح کلان و در سطح دانشگاهی

ب) شناخت عوامل فرهنگی، اجتماعی و شناختی بین‌المللی در رابطه با مسئولیت مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی

ج) توانایی کاربرد روش‌های مختلف تحقیق در حیطه آموزش عالی
د) مهارت در کاربرد اصول و فنون مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی
ه) آمادگی برای ادامه تحصیلات در دوره بالاتر در جهت تأمین کادر علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی با توجه به ایجاد دوره‌های دکتری آموزش عالی است. (مشخصات کلی، برنامه درسی و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۵) است.

ب) برنامه درسی رشته آموزش عالی در چند دانشگاه برتر دنیا

۱. برنامه آموزش عالی در دانشکده تحصیلات تکمیلی دانشگاه هاروارد^۱، افراد را برای ایفای نقش رهبری و مدیریت در کالج‌ها و دانشگاه‌های آمریکا و سازمان‌های غیرانتفاعی و غیردولتی که در شکل‌دهی به سیاست آموزش عالی مؤثر هستند، آماده می‌سازد. در واقع، این برنامه یک برنامه آموزشی جامع در این کشور است که افراد را در هر جنبه از مدیریت عالی و سیاست‌گذاری و تحقیقات و پژوهش آماده می‌سازد؛ از طریق برنامه آموزش عالی، دانشجویان کار آکادمیک در زمینه‌های تحصیلی دانشگاه ایالتی پنسلوانیا، از جمله؛ تحلیل سیاست، بازاریابی، رفتار سازمانی،

^۱ برای دستیابی به اطلاعات کامل در خصوص برنامه آموزش عالی در دانشگاه هاروارد به سایت

<https://www.gse.harvard.edu/masters/highered>، مراجعه نمایید

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، تاریخ، فلسفه، روان‌شناسی آموزشی، سیاست و نظریه آموزشی، سخنرانی ارتباطات، مطالعات زنان و زبان انگلیسی تشویق می‌شوند؛

۲. در دانشگاه مریلند، برنامه آموزش عالی^۱ شامل امور دانشجویی و برنامه آموزش بین-المللی (HESI) و آموزش عالی است. همچنین به‌عنوان یک بخش ملی شناخته‌شده برای انبوهی از فارغ‌التحصیلان و آموزش عالی در مریلند است که دانشجویان را برای کسب مقام‌های رهبری در مؤسسات آموزش عالی و سازمان‌های سیاسی و اشتغال در تحقیق و پژوهش آماده می‌کند. فارغ‌التحصیلان این رشته، به‌عنوان مدیران ارشد رده‌های میانی دانشگاه، سیاست‌گذاران آموزش عالی و تحلیلگران و همچنین اعضای هیئت‌علمی دانشگاه مشغول به کار می‌شوند؛

۳. برنامه کارشناسی ارشد آموزش عالی در دانشگاه اسلو نروژ^۲ شامل دو سال و چهار ترم و در مجموع ۱۲۰ واحد است و ساختاری از مجموعه برنامه‌هایی است که برای دانشجویان در نظر گرفته شده است. در ترم اول دانشجویان با مقدمه تاریخ و فلسفه آموزش عالی، نظریه‌های اصلی، مفاهیم، و طیف وسیعی از جنبه‌های مختلف و مرتبط برای مطالعه آموزش عالی آشنا می‌شوند. در ترم دوم و سوم دانشجویان به مطالعات خود در مورد روش‌ها و آمارها و ارقام ادامه می‌دهند و همچنین بر عمق تغییرات در آموزش عالی با طیف وسیعی از دیدگاه‌ها تمرکز می‌کنند. کار بر روی پایان‌نامه از ترم سوم آغاز و اتمام آن کار اصلی دانشجویان چهارم خواهد بود؛

۴. برنامه کارشناسی ارشد آموزش عالی در دانشگاه آکسفورد^۳، امکان تعامل دانشجویان را نه تنها با مسائل مشخص، بلکه با طیف گسترده‌ای از موضوعات محرک و بااهمیت دانشگاه‌ها و کالج‌های اطراف آن فراهم می‌کند. شکل‌گیری این دوره برای رهبران آینده، دانشگاهیان، سیاست‌گذاران، پژوهشگران و مدیران است. در واقع این دوره یک بنیان قوی است برای استفاده از تحقیقات برای تجزیه و تحلیل و ارزیابی ساختارهای فعلی و اصلاحات آینده آموزش عالی در زمینه‌های مختلف بین‌المللی؛ توسعه تدارکات در زمینه آموزش عالی، برنامه درسی و آموزشی برای پاسخگویی به طیف وسیعی از نیازهای محلی و بین‌المللی؛ درک تأثیرات اقتصادی آموزش عالی و پیامدهای آن برای سیاست‌گذاری؛ تجزیه و تحلیل انتقال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی به بازار کار و مطالعات بیشتر در این زمینه؛ انجام تحقیقات دکترا، فوق دکترا و تحقیقات حرفه‌ای.

^۱ قابل دسترس در <https://academiccatalog.umd.edu/graduate/courses/hesi/>

^۲ قابل دسترس در <https://www.uio.no/english/studies/programmes/higher-education->

[master/structure/](#)

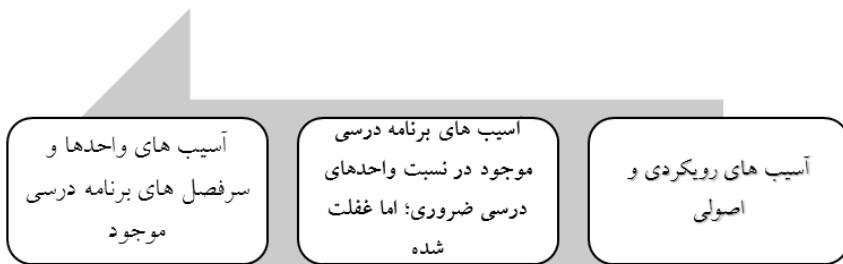
^۳ قابل دسترس در <https://www.ox.ac.uk/admissions/graduate/courses/msc-education-higher>

education

بدین ترتیب، بازنگری و ارزیابی محتوای برنامه درسی، چه در نظام آموزش عالی کشور و چه در تجربیات نظام آموزش عالی کشورهای مختلف دنیا که به نمونه‌ای از آن‌ها اشاره شد، دارای اصول و مبانی خاصی می‌باشند. اما به‌طور کلی و همان‌طور که در شیوه‌نامه تدوین و بازنگری برنامه درسی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری کشور به آن اشاره شده است، شاخص‌ها و سنجه‌های تحول در برنامه‌های آموزشی شامل غنی‌سازی، بومی‌سازی و ارزش‌مداری است.

۲. برنامه درسی موجود رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، با چه آسیب-

هایی مواجه شده است؟



شکل (۲): آسیب‌های برنامه درسی موجود رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی) در مقطع کارشناسی ارشد

همان‌طور که در شکل شماره (۲) مشاهده می‌شود، طبق نظرات اساتید، دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی عالی، آسیب‌های برنامه درسی موجود رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی) در مقطع کارشناسی ارشد، شامل آسیب‌های رویکردی و اصولی، آسیب‌های برنامه درسی موجود در نسبت واحدهای درسی ضروری؛ اما غفلت شده و آسیب‌های واحدها و سرفصل‌های برنامه درسی موجود، می‌باشند که هرکدام از این سه آسیب شامل مقوله‌های مربوط به خود می‌باشند؛ لذا در ادامه و به تفکیک، هرکدام از آسیب‌های شناسایی شده توضیح و شرح داده خواهند شد:

مضمون ۱: آسیب‌های رویکردی و اصولی برنامه درسی موجود

طبق نظرات اساتید، دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی عالی، یکی از آسیب‌های برنامه درسی موجود رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش

^۱ سعید قدیمی و بهزاد محمدی‌نژاد (۱۳۹۰)، «شیوه‌نامه تدوین و بازنگری برنامه درسی»، دفتر برنامه‌ریزی و پشتیبانی آموزش

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

عالی) در مقطع کارشناسی ارشد، آسیب‌های رویکردی و اصولی برنامه درسی موجود است که شامل آسیب‌های مربوط به کلیت برنامه‌های درسی موجود این رشته (تمامی برنامه‌های درسی به همراه واحدها و دوره‌ها و سرفصل‌های درسی‌شان) است؛

درواقع، طبق نظرات و دیدگاه‌های اساتید، دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی عالی، آسیب‌های رویکردی و اصولی برنامه درسی موجود رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در مقطع کارشناسی ارشد، در قالب ۸ مقوله استخراج و شناسایی شدند که عبارتند از: غیر واقع‌گرایانه و کل‌گرایانه بودن اهداف دوره؛ کم‌رنگ بودن جنبه عملی، کاربردی و مهارتی در برنامه درسی دوره؛ توجه بیش‌ازحد به مباحث ساختاری دانشگاه در برنامه درسی؛ ارتباط ضعیف میان برنامه درسی قصد شده و اجرا شده؛ عدم تمایز جدی بین ماهیت و سرفصل‌های رشته با سایر رشته‌ها؛ غلبه رشته محوری و علوم انسان‌محوری بر دوره به جای رویکرد نظام-محوری؛ کم‌توجهی به زیست‌بوم آموزش عالی ایران در برنامه درسی دوره و در نظر نگرفتن دروسی تحت عنوان دروس انتخابی و اختیاری در برنامه درسی دوره و تعریف همه دروس تحت عنوان دروس پایه، اصلی و تخصصی؛ در ادامه به توضیحات لازم برای تبیین هر مقوله شناسایی شده اشاره خواهد شد؛

جدول (۳): آسیب‌های رویکردی و اصولی برنامه درسی موجود

مضمون	مقوله‌ها	کدهای باز
آسیب‌های رویکردی و اصولی برنامه درسی موجود	غیر واقع‌گرایانه و کل‌گرایانه بودن اهداف دوره	آزمایی بودن اهداف دوره و فاصله زیاد با واقعیت‌های موجود، کلی بودن اهداف دوره و عدم تحقق آن‌ها، ناتوانی برنامه دوره در شکل-دهی نگرش عمیق نسبت به آموزش عالی، برخورد تقلیل‌گرایانه با اهداف دوره، عدم تغییر نگرش‌ها به دوره و برنامه درسی آن‌علی-رغم تغییر و تحولات در نظام آموزش عالی کشور و مسائل آن، کم-توجهی به ملاک‌ها و عوامل مختلف در تعیین اهداف دوره
	کم‌رنگ بودن جنبه عملی، کاربردی و مهارتی در برنامه درسی دوره	وجود خلأ مهارتی و کاربردی در دروس دوره، ارتباط کم دروس با نیازهای محیط کار، خالی بودن جای واحدهای عملی و کارآموزی در برنامه دوره، تعادل ناکافی میان تعداد دروس نظری و دروس عملی در برنامه درسی دوره، نظری بودن بیش‌ازحد دوره، کم‌توجهی به برنامه‌های کاربردی در دوره، استفاده نکردن از فرصت کارآموزی در مدیریت و برنامه‌ریزی هر دانشگاه، کاربردی و مهارتی نبودن واحدهای درسی رشته، ضعف در کاربردی و عملی نمودن برنامه درسی دوره
	توجه بیش‌ازحد به	طراحی رشته بر اساس نیاز سازمانی وزارت علوم و عدم توجه به

مضمون	مقوله‌ها	کدهای باز
	مباحث ساختاری دانشگاه در برنامه درسی	سایر نیازها، کم‌توجهی برنامه درسی دوره به نیازهای دانشجو و محیط دانشگاه و تأکید بیش‌ازحد بر نیازهای سازمانی، مبتنی بودن برنامه‌ریزی درسی رشته بر نیازهای ساختاری آموزش عالی و عدم توجه به کارکردها، وجود ساختار زدگی در واحدهای درسی رشته و کم‌توجهی به کارکردهای دانشگاه
	ارتباط ضعیف میان برنامه درسی قصد شده و اجرا شده	تناسب پایین بین اهداف دوره با محتوای تدریس شده و ارزیابی آن، تطابق ضعیف میان محتوای مصوب دوره، نگرش اساتید و واقعیت کلاس، کم‌توجهی به برنامه درسی مصوب در اجرا و تدریس، عدم ارائه جامع سرفصل‌های دوره
	عدم تمایز جدی بین ماهیت و سرفصل‌های رشته با سایر رشته‌ها	عدم تفاوت سرفصل‌ها و محتوای دوره با محتوای رشته‌هایی مانند مدیریت آموزشی، مدیریت دولتی، مدیریت صنعتی و ...، عدم تفاوت و تمایز بین آموزش عالی و سایر رشته‌ها از جمله آموزش و پرورش، عدم تفاوت بین ماهیت رشته با سایر رشته‌ها به‌ویژه با مدیریت آموزشی
	غلبه رشته‌محوری و علوم انسانی-محوری بر دوره به‌جای رویکرد نظام‌محوری	نگاه رشته‌ای و علوم انسانی محور به رشته آموزش عالی و عدم توجه به مباحث و مسائل سایر رشته‌ها و علوم، نگاه رشته‌ای و علوم تربیتی محور به رشته آموزش عالی و عدم توجه به سایر کالج‌ها و علوم، لزوم تأکید بر فرارشته‌ای بودن رشته آموزش عالی، عدم توجه واحدهای درسی دوره به مباحث و مسائل دانشکده‌ها، علوم و رشته-های فنی و مهندسی و پایه و ...، نگاه رشته‌ای و علوم انسانی محور واحدهای درسی دوره به مسائل و مباحث آموزش عالی، عدم شکل-گیری تفکر بین بخشی و سیستمی به رشته‌های مختلف
	کم‌توجهی به زیست‌بوم آموزش عالی ایران در برنامه درسی دوره	عدم ملاحظه شرایط و اقتضائات دانشگاهی کشور در برنامه درسی دوره، کم‌توجهی دروس دوره به تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی کشور، ارتباط ضعیف سرفصل‌ها و محتوا دروس با نیازهای ویژگی‌ها و خصلت‌های بومی آموزش عالی
	در نظر نگرفتن دروسی تحت عنوان دروس انتخابی و اختیاری در برنامه درسی دوره و تعریف	عدم وجود دروس انتخابی و اختیاری در برنامه درسی دوره، عدم تعریف دروس انتخابی در دوره، ضرورت طراحی دروس انتخابی و اختیاری در دوره، لزوم اضافه نمودن دروس انتخابی در برنامه درسی دوره

مضمون	مقوله‌ها	کدهای باز
	همه دروس تحت عنوان دروس پایه، اصلی و تخصصی	

مقوله ۱. غیر واقع‌گرایانه و کل‌گرایانه بودن اهداف دوره

بر اساس نظرات برخی از مصاحبه‌شوندگان، برنامه درسی فعلی کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی با واقعیت‌های موجود آموزش عالی، مسائل و چالش‌های حوزه شغلی آن فاصله زیادی دارد. هدف‌گذاری این دوره، کلی و آرمانی بوده و متکی به سیاست‌های بالادستی، نیاز جامعه و دانشجویان، خصوصیات دانشگاه بومی ایرانی و آینده‌نگری نبوده است؛ همچنین، اهداف دوره بر اساس تغییرات و تحولات صورت‌گرفته در طی زمان روزآمد نشده است. در نتیجه، در اثر فاصله زیاد بین برنامه درسی و واقعیت آموزش عالی، بینش و درک کافی در دانشجویان ایجاد نمی‌شود و توان تحلیل مسائل و رویدادهای آن را کسب نمی‌کنند.

«مسائل آموزش عالی ما دگرگون شده، وضعیت آموزش عالی دگرگون شده، ولی نگرش‌ها بر مبنای برنامه‌ریزی درسی و سرفصل معین همان چیزی است که در ابتدا تعریف شده است.»
«نگرشی که به عنوان به متخصص آموزش عالی که افراد را نسبت به مسائل و اتفاقات آموزش عالی حساس می‌کند و ببیند که چی داره می‌گذره، این اتفاق در برنامه درسی ما اتفاق نمی‌افتد و جاش خیلی خالی است در نظام آموزش عالی ما.»

مقوله ۲. کم‌رنگ بودن جنبه عملی، کاربردی و مهارتی در برنامه درسی دوره

قریب به اتفاق مصاحبه‌شوندگان بر پایین بودن توجه به جنبه‌های کاربردی و عملی و سطح مهارت‌آفرینی طی دوره کارشناسی ارشد مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی تأکید کردند. به نظر ایشان، غالب آموزش‌های صورت‌گرفته به صورت نظری و حافظه‌محور بوده و ارتباطی با موقعیت واقعی زمینه‌های شغلی در دانشگاه‌ها و سایر سازمان‌ها برقرار نمی‌شود؛ همچنین از نظر پاسخ‌دهندگان، تمامی دروس ارائه‌شده در دوره به صورت نظری بوده و رشته فاقد زمینه‌های عملی و کاربردی است. انتظار می‌رود که دانش‌آموختگان این رشته، دارای مهارت‌های پژوهشگری و توان مدیریتی در بخش‌های مختلف آموزش عالی باشند، اما خلأ موجود (پیوند بین نظر و عمل)، مانع مواجهه دانشجویان با شرایط و چالش‌های شغلی بوده و منجر به شکل‌گیری توانمندی‌های بینشی و مهارتی لازم در دانشجویان و آمادگی ایفای نقش در موقعیت‌های شغلی مختلف نمی‌شود. حتی با وجود اینکه، عرصه مدیریت و برنامه‌ریزی در دانشگاه‌هایی که این دوره را برگزار می‌نمایند، می‌تواند فرصت تجربه عملی و کارآموزی را برای دانشجویان این دوره فراهم آورد، در عمل از این فرصت نیز استفاده‌ای نمی‌شود

مقوله ۳. توجه بیش از حد به مباحث ساختاری دانشگاه در برنامه درسی

بنابه نظرات برخی از مصاحبه‌شوندگان، طراحی برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ساختارمحور بوده است و نه دانشگاه‌محور؛ بنابراین، ارتباط و هماهنگی اندکی با نیازهای واقعی آموزش عالی و مسائل دانشگاه‌های کشور دارد. بر این اساس که وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به صورت متمرکز و بر اساس نیازهای سازمانی خود، به تأسیس و تعیین سرفصل‌های آموزشی این رشته اقدام کرده است. ملاحظه نیازهای سازمانی که ایستا هستند، مانع توجه و تمرکز بر کارکردهای متنوع، پیچیده و پویای دانشگاه‌ها (آموزشی، پژوهشی، خدماتی و غیره) شده است. این امر باعث شده است که در برنامه درسی بر اساس ساختار عمل شده و مسائل و مشکلات مختلف دانشگاه‌ها که هر کدام شناخت و مدیریت خاص خود را می‌طلبند، مورد غفلت قرار گیرد.

مقوله ۴. ارتباط ضعیف میان برنامه درسی قصد شده و اجرا شده

به گفته مصاحبه‌شوندگان، اگر کیفیت آموزش عالی را دارای سه ضلع محتوای مصوب شورای برنامه‌ریزی آموزش عالی، استاد و واقعیت کلاس در نظر بگیریم، این سه ضلع بسیار باهم فاصله و واگرایی دارند؛ استاد چیزی را تدریس می‌کند که در سرفصل نیست، سرفصل مربوط به چیزی است که در واقعیت و عمل ظهوری ندارد. در این رابطه، ممکن است اساتید در فرایند تدوین برنامه درسی مشارکت نداشته باشند، ولی صاحب‌اختیار کلاس اوست و معلوم نیست سرفصلی که مشخص شده و کتابی که تعیین شده، استاد همان را در کلاس تدریس نماید. همچنین، یکی از مشکلات موجود این است که برخی از دروس، ترکیبی از چند حوزه مختلف است و اساتید در همه آن‌ها صاحب‌نظر نیستند و کیفیت کلاس افت پیدا می‌کند؛ بنابراین، شاید لازم باشد از اساتید مختلف یا به صورت تیمی برای ارائه هر درس بهره گرفته شود.

مقوله ۵. عدم تمایز جدی بین ماهیت و سرفصل‌های رشته با سایر رشته‌ها

به عقیده برخی از مصاحبه‌شوندگان، ماهیت و سرفصل دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تفاوت و تمایز محسوسی با رشته‌هایی مثل مدیریت صنعتی، مدیریت بازرگانی و مدیریت آموزشی ندارد و تاکنون هویت مستقلی برای آن شکل نگرفته است. همچنین از نظر پاسخ‌دهندگان، در دانشکده‌های علوم تربیتی، بین تربیت نیروی انسانی برای آموزش و پرورش با بخش آموزش عالی تفاوتی گذاشته نمی‌شود و متون دروسی و محتوای ارائه شده تقریباً یکسان است. بر این اساس، آن ویژگی‌ها و خصوصیات که محیط آموزش عالی و دانشگاه‌ها نسبت به محیط مدارس و به خصوص سازمان‌های دولتی و صنعتی دارد، شناخته نمی‌شوند.

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

مقوله ۶. غلبه رشته محوری و علوم انسانی محوری بر دوره به جای رویکرد نظام-

محوری

طبق نظرات عده‌ای از مصاحبه‌شوندگان، دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی در گذشته متأثر از نگاه رشته‌ای بوده و از ماهیت فرارشته‌ای خود فاصله گرفته است؛ به طوری که نظام آموزش عالی با در برداشتن حوزه‌های مختلف علوم انسانی، فنی و مهندسی، علوم پایه، کشاورزی و ... نیازمند نگاه کلان و فرارشته‌ای و توجه به خصوصیات و الزامات همه آن‌ها است. دانش‌آموختگان این دوره باید آشنایی کافی نسبت به همه انواع رشته‌ها و دانشگاه‌ها داشته باشند و بتوانند مدیریت و برنامه‌ریزی متناسب با هر سیستم را به منصه ظهور برسانند. این در حالی است که به دلیل عدم شکل‌گیری تفکر بین‌بخشی در میان اساتید و دانشجویان این دوره و محدود شدن مباحث و دیدگاه‌ها به رشته‌های علوم انسانی به ویژه علوم تربیتی، عملاً شناخت رشته‌ها و دانشگاه‌های نوع دیگر به حاشیه رفته و مسائلی از قبیل فناوری، تجاری‌سازی علم و ارتباط دانشگاه با صنعت و ... در اثر بی‌مهری و بی‌علاقگی موضوع بحث کلاسی و بررسی پایان‌نامه‌ها قرار نمی‌گیرد. آسیب دیگر در این رابطه، شکل‌گیری عینک و نگرش تک‌بعدی با محوریت علوم انسانی در دانش‌آموختگان برای مدیریت و قانون‌گذاری برای همه زیر نظام‌های آموزش عالی است.

مقوله ۷. کم توجهی به زیست‌بوم آموزش عالی ایران در برنامه درسی دوره

مشکلات و نارسایی‌های زیادی تحت این مقوله توسط صاحب‌نظران، اساتید و دانشجویان دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی مطرح شده است. به زعم مصاحبه‌شوندگان، سرفصل‌ها و مباحثی که در کلاس ارائه می‌شوند، ارتباطی با زیست‌بوم، شرایط و اقتضائات خاص آموزش عالی کشور (از جمله تفاوت‌های فرهنگی و ارزشی و ...) ندارد. این در حالی است که شرایط و ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی آموزشی و پژوهشی هر کشوری متفاوت و متمایز از سایر کشورهاست و لزوماً آنچه در سایر کشورها رخ می‌دهد و کاربرد دارد، ممکن است با زیست‌بوم آموزش عالی کشور ما تناسب نداشته باشد. لذا، ضرورت توجه به ویژگی‌های بومی، تاریخی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... را در طراحی همه دروس این دوره برجسته می‌سازد:

مقوله ۸. در نظر نگرفتن دروسی تحت عنوان دروس انتخابی و اختیاری در برنامه

درسی دوره و تعریف همه دروس تحت عنوان دروس پایه، اصلی و تخصصی

اشکال بزرگی که در برنامه درسی دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی وجود دارد، این است که فاقد دروس انتخابی و اختیاری بوده و همه ۳۲ واحد آن با دروس پایه، دروس اصلی و دروس تخصصی بسته‌شده است و جای انتخاب و اختیاری برای دانشجویان جهت پیگیری

انگیزه‌ها و علایقشان در موضوعات جانبی مختلف گرفته شده است. این اقدام در راستای یک ذهنیت اشتباه شکل گرفته است که تصور شده همه مباحث و مسائل آموزش عالی در ۳۲ واحد تعیین شده دیده شده است. بنابراین، بایستی با اتخاذ تدبیری از تعداد واحدهای دروس اصلی و تخصصی کاسته شده و به جای آن، دروس انتخابی و اختیاری تعریف گردد.

مضمون ۲: آسیب‌شناسی واحدها و سرفصل‌های برنامه درسی موجود دوره

طبق نظرات و دیدگاه‌های اساتید، دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی عالی، آسیب‌های رویکردی و اصولی برنامه درسی موجود رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی) در مقطع کارشناسی ارشد، شامل ۷ مقوله ارتباط ضعیف سرفصل‌ها و محتوای ارائه شده با اهداف خاص درس «اصول مدیریت آموزش عالی و لزوم تغییر عنوان آن به درس سازمان و مدیریت آموزش عالی»؛ جامع نبودن محتوا و مباحث درس بررسی تطبیقی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی و لزوم تغییر عنوان آن به درس «شناخت و تحلیل تطبیقی نظام آموزش عالی ایران و جهان»؛ عمومی بودن محتوای ارائه شده در درس «مدیریت منابع انسانی در آموزش عالی»؛ جامعیت نداشتن محتوا و مباحث درس «شناخت و تحلیل فضاهای آموزشی در آموزش عالی» و لزوم تغییر عنوان آن به درس «آمایش و تحلیل فضاهای آموزش عالی»؛ محدود شدن درس «مدیریت امور مالی واداری در دانشگاه‌ها» به امور مالی و غفلت از مباحث دیگر و لزوم تغییر عنوان آن به درس «اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی»؛ جزئی‌نگر بودن عنوان درس «جامعه‌شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی» و ارتباط پایین مطالب ارائه شده و لزوم تغییر عنوان آن به «جامعه‌شناسی آموزش عالی» و کم-توجهی به مباحث سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست در درس «برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی» و لزوم تغییر عنوان آن به درس «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی» است. در ادامه به توضیحات لازم برای تبیین هر مقوله شناسایی شده اشاره خواهد شد.

جدول (۴): آسیب‌شناسی واحدها و سرفصل‌های برنامه درسی موجود دوره

مضمون	مقوله‌ها	کدهای باز
آسیب‌شناسی واحدها و سرفصل‌های برنامه درسی موجود دوره	ارتباط ضعیف سرفصل‌ها و محتوای ارائه شده با اهداف خاص درس «اصول مدیریت آموزش عالی و لزوم تغییر عنوان آن به درس سازمان و مدیریت آموزش عالی»	تطابق کم میان سرفصل‌ها و محتوای دوره با اهداف دوره در درس اصول مدیریت آموزش عالی، ورود سطحی برنامه درسی دوره به محتوای تخصصی در درس اصول مدیریت آموزش عالی و تناسب پایین بین محتوای درس اصول مدیریت آموزش عالی با ویژگی‌های خاص آموزش عالی

مضمون	مقوله‌ها	کدهای باز
	<p>جامع نبودن محتوا و مباحث درس بررسی تطبیقی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی و لزوم تغییر عنوان آن به درس شناخت و تحلیل تطبیقی نظام آموزش عالی ایران و جهان</p>	<p>محدود شدن سرفصل درس بررسی تطبیقی به مباحث روش‌شناسی، تمرکز بر آموزش و پرورش به جای آموزش عالی در بررسی تطبیقی، لزوم پرداختن به بررسی تطبیقی نظام‌های آموزش عالی جهان در دروس دوره، در نظر نگرفتن درسی برای معرفی سیستم‌های آموزش عالی، عدم توجه به مباحث مربوط به نظام، زیرنظام‌ها و نهادهای آموزش عالی کشور در دوره، نبود درسی برای پرداختن به اسناد بالادستی، فرایندها و زیرنظام‌های آموزش عالی و نبود واحد درسی برای آشنایی با انواع مؤسسات آموزش عالی کشور و دنیا</p>
	<p>عمومی بودن محتوای ارائه شده در درس مدیریت منابع انسانی</p>	<p>عدم ورود اساتید به مباحث تخصصی مدیریت منابع انسانی دانشگاه و غلبه مباحث منابع انسانی عمومی به مباحث تخصصی رشته در درس مدیریت منابع انسانی</p>
	<p>جامعیت نداشتن محتوا و مباحث درس شناخت و تحلیل فضاهای آموزشی در آموزش عالی و لزوم تغییر عنوان آن به درس آمایش و تحلیل فضاهای آموزش عالی</p>	<p>محدود شدن درس تحلیل فضای آموزشی به ساختمان و کلاس و عدم توجه به سایر فضای آموزشی نظیر زیرساخت‌ها و ... لزوم پرداختن به آمایش سرزمین در درس تحلیل فضاهای آموزشی، لزوم بازنگری در عنوان واحد تحلیل فضاهای آموزشی و لزوم توجه به تفاوت‌های زمینه‌ای فعالیت دانشگاه‌ها در بازنگری دوره</p>
	<p>محدود شدن درس مدیریت امور مالی و اداری در دانشگاه‌ها به امور مالی و غفلت از مباحث دیگر و لزوم تغییر عنوان آن به درس اقتصاد و مدیریت منابع مالی آموزش عالی</p>	<p>ورود نکردن اساتید به مباحث تخصصی و مستقیم در درس مدیریت مالی و اداری در دانشگاه‌ها، ارتباط خیلی کم محتوای تدریس شده در درس مدیریت مالی و اداری در دانشگاه‌ها با اهداف اصلی درس، عدم پرداختن به مدیریت اداری در درس مدیریت مالی و اداری در دانشگاه‌ها، ابهام در انتظارات از درس مدیریت امور مالی و اداری، لزوم تفکیک مباحث اداری و اصلاح متناسب با آن در عنوان درس مدیریت</p>

مضمون	مقوله‌ها	کدهای باز
		اداری و مالی، تفکیک نمودن مدیریت اداری و آکادمیک از مدیریت مالی دانشگاه‌ها و کم توجهی به مباحث کلان اقتصادی و مالیه آموزش عالی در درس مدیریت امور مالی و اداری در دانشگاه‌ها
	جزئی‌نگر بودن عنوان درس «جامعه‌شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی» و ارتباط پایین مطالب ارائه‌شده و لزوم تغییر عنوان آن به «جامعه‌شناسی آموزش عالی»	ارتباط خیلی کم مباحث تدریس شده در درس جامعه‌شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی با اهداف درس، تناسب و پوشش‌دهی ضعیف عنوان جامعه‌شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی به مباحث کامل این درس، پوشش‌دهی ناقص درس جامعه‌شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی به مباحث آن و عدم توجه به واحد جامعه‌شناسی آموزش عالی
	کم‌توجهی به مباحث سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست در درس «برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی» و لزوم تغییر عنوان آن به درس «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی»	کم‌توجهی به سیاست‌گذاری، اسناد کلان و قوانین آموزش عالی کشور، غفلت از پرداختن به مباحث نظری و عملی در خصوص اسناد بالادستی آموزش عالی، کم‌توجهی به ابعاد و شیوه‌های تحلیل سیاست در آموزش عالی و لزوم توجه به روش‌های پژوهشی خاص آموزش عالی؛ ازجمله سیاست‌پژوهی و تحلیل سیاست در دروس دوره

مقوله ۱. ارتباط ضعیف سرفصل‌ها و محتوای ارائه‌شده با اهداف خاص درس «اصول مدیریت آموزش عالی و لزوم تغییر عنوان آن به درس سازمان و مدیریت آموزش عالی» به گفته برخی از صاحب‌نظران، اساتید و دانش‌آموختگان رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، محتوای ارائه‌شده در این دوره به‌طورکلی و در درس «اصول مدیریت آموزش عالی» به‌طور خاص، با اهداف تدوین‌شده در راستای تربیت متخصص و مدیر برای دانشگاه و سطح کلان آموزش عالی فاصله جدی دارد. آنچه، این فاصله را به وجود آورده است، پرداختن به محتوای دانشی، الگوها و فنون و مهارت‌ها به‌صورت کلی و اختصاصی نکردن آن‌ها برای بخش آموزش عالی است. نبود محتوا و منابع مناسب، تسلط ناکافی اساتید و عدم ترجمه و شکستن

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

اهداف کلان به اهداف خرد و سرفصل‌ها، این مشکل را شدت بخشیده است. همچنین بنا بر نظر پاسخ‌دهندگان، به‌طور ویژه درباره درس «اصول مدیریت آموزش عالی» باید مبانی و مدل‌های مدیریتی، سازمان دانشگاه و فنون تجزیه و تحلیلی بر اساس شناخت دقیق اختصاصات آموزش عالی و دانشگاهی، چه در بعد آموزشی، پژوهشی و اجرایی تهیه‌شده و به دانشجویان ارائه گردد.

مقوله ۲. جامع نبودن محتوا و مباحث درس بررسی تطبیقی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی و لزوم تغییر عنوان آن به درس «شناخت و تحلیل تطبیقی نظام آموزش عالی ایران و جهان»

در برنامه درسی موجود، سرفصل درس بررسی تطبیقی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی با تأکید بر روش‌های تحقیق، تاریخچه، مراحل، قلمرو و طبیعت مقایسه در این حوزه تدوین شده است به‌نحوی که به جز یک مورد، بقیه ۸ مورد سرفصل را به خود اختصاص داده است. به این ترتیب، تمرکز آموزش‌های کلاسی بر مباحث روش‌شناختی محدودشده و از ورود به مطالب و محتوای حاصل از این نوع مطالعات خودداری می‌شود؛ مسئله دیگر مربوط به این درس، اشاره به عبارت «آموزش و پرورش تطبیقی» در سرفصل آن است که منجر به جهت‌گیری اساتید به سمت آموزش و پرورش تطبیقی و تدریس کتاب‌های موجود در این زمینه شده است. در کشور ما، مؤسسات آموزش عالی مختلف دولتی (وزارت علوم، آموزش پزشکی، پیام نور، جامع علمی-کاربردی، فنی و حرفه‌ای، فرهنگیان، مؤسسات وابسته به دستگاه‌های اجرایی و ...) و غیردولتی (دانشگاه آزاد و مؤسسات غیرانتفاعی) با رسالت‌ها و خصوصیات متمایز درگذر زمان شکل گرفته‌اند که هرکدام با چالش‌ها و مسائل ویژه‌ای مواجه هستند و زمینه‌ای که دانشجویان با گذاردن این درس، به‌صورت تطبیقی و تحلیلی با فضای آموزش عالی، نظام‌های آموزش عالی مختلف، ساختارها، نهادها و شیوه‌های حکمرانی و سیاست‌گذاری، زیر نظام‌ها، پذیرش دانشجویان و یاددهی و یادگیری و روش‌های پژوهشی و ... ایران و جهان آشنایی و شناخت عمیق پیدا کنند، وجود ندارد. بنابراین، ضرورت دارد عنوان درس نیز متناسب با این مباحث، به «شناخت و تحلیل تطبیقی نظام آموزش عالی ایران و جهان» تغییر یابد.

مقوله ۳. عمومی بودن محتوای ارائه‌شده در درس «مدیریت منابع انسانی در آموزش عالی»

در درس «مدیریت منابع انسانی در آموزش عالی» به مباحث عمومی این حوزه که اغلب مربوط به سازمان‌های تجاری و صنعتی است، پرداخته می‌شود و فرهنگ خاص دانشگاهی و ویژگی‌های متمایز اعضای آن، یعنی اعضای هیئت‌علمی، دانشجویان و کارکنان موردتوجه قرار

نمی‌گیرد. هم اساتید ارائه‌دهنده این درس، تخصص کافی در زمینه منابع انسانی دانشگاه ندارند و هم منابع مناسبی مورد تألیف و ترجمه قرار نگرفته است.

مقوله ۴. جامعیت نداشتن محتوا و مباحث درس «شناخت و تحلیل فضاهای آموزشی در آموزش عالی» و لزوم تغییر عنوان آن به درس «آمایش و تحلیل فضاهای آموزش عالی»

درباره محتوای درس «شناخت و تحلیل فضاهای آموزشی در آموزش عالی» محدودنگری صورت گرفته است به طوری که صرفاً از آن فضاهایی مانند ساختمان و کلاس مراد شده است و فضاهای آموزشی زیادی، از قبیل آزمایشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و زیرساخت‌های دیگر مورد غفلت قرار گرفته است؛ علاوه بر این، این درس نباید فقط به فضاهای آموزشی محدود شود؛ بلکه باید وضعیت موجود فضاها، ظرفیت‌ها و توانمندی‌های فضایی دانشگاه‌ها را در شهرها و استان‌ها بر اساس آمایش آموزش عالی و در مقیاس جامعه و ملی مورد تحلیل و بررسی قرار دهد؛

مقوله ۵. محدود شدن درس «مدیریت امور مالی و اداری در دانشگاه‌ها» به امور مالی و غفلت از مباحث دیگر و لزوم تغییر عنوان آن به درس «اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی»

به نظر مصاحبه‌شوندگان، تلفیق مباحث مدیریت مالی و مدیریت اداری در قالب یک درس، اشکالاتی را به همراه داشته است؛ در ارائه این درس، بسته به تخصص استاد، همواره یکی از مباحث ذکرشده مورد کم‌توجهی قرار می‌گیرد. مشکل دیگر آن است که چون اغلب اساتیدی که به تدریس این درس می‌پردازند، متعلق به دانشکده‌های غیر از علوم تربیتی هستند، مباحث کلی حسابداری و مدیریت مالی مطرح‌شده و به موضوعات اقتصاد و تأمین مالی آموزش عالی، الگوها، سازوکارهای بودجه‌ریزی و غیره پرداخته نمی‌شود و ممکن است موضوعات اداری و اجرایی به کل فراموش شوند؛ همچنین، عنوان مدیریت امور مالی در دانشگاه‌ها، عنوان جامعی برای پوشش مباحث کلان اقتصادی و مالی آموزش عالی نیست و بهتر است به «اقتصاد و مدیریت منابع مالی در آموزش عالی» تغییر داده شود و امور اداری آن از عنوان حذف شود و این بخش در درس اصول مدیریت آموزش عالی بحث شود.

مقوله ۶. جزئی‌نگر بودن عنوان درس «جامعه‌شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی» و ارتباط پایین مطالب ارائه‌شده و لزوم تغییر عنوان آن به «جامعه‌شناسی آموزش عالی»

در درس «جامعه‌شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی» نیز غالباً تلفیقی کاملی میان بحث جامعه‌شناسی، مباحث آموزش عالی و تغییر و نوآوری صورت نمی‌گیرد و این سه موضوع

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

به صورت کاملاً مستقل مورد بررسی قرار می‌گیرند. به نظر مصاحبه‌شوندگان، بهتر است عنوان درس قدری کلی‌تر باشد و موضوع «تغییر و نوآوری» به عنوان یکی از فصول و مباحث درسی با عنوان «جامعه‌شناسی آموزش عالی» یا «جامعه‌شناسی دانشگاه» مطرح باشد؛ گفته می‌شود که آنچه در عمل در کلاس‌های این درس اتفاق می‌افتد، مسائل صرف جامعه‌شناسی است و موضوعات میان‌رشته‌ای؛ مانند اخلاق علم و فناوری، ترویج علم و نوآوری در جامعه، تأثیرات متقابل آموزش عالی و جامعه و جامعه‌شناسی معرفت مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد.

مقوله ۷. کم‌توجهی به مباحث سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست در درس «برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی» و لزوم تغییر عنوان آن به درس «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی»

آموزش عالی به عنوان یک نظام که با چندین وزارتخانه، نهادهای بالادستی و سازمان‌های دولتی مرتبط است، دارای اسناد بالادستی، سیاست‌ها، قوانین و آیین‌نامه‌های متعدد و گاه متعارض، برای مدیریت و اداره خود است. بخش عمده حکمرانی این بخش از طریق این سیاست‌ها و اسناد محقق می‌شود. دانش‌آموختگان دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی که قرار است در بخش‌های مختلف نظام فعالیت نمایند، لازم است با فرایندهای موجود تدوین و تصویب این اسناد، محتوای آن‌ها و روش‌های تحلیل و تدوین سیاست‌های جدید (سیاست‌پژوهی) به خوبی آشنا شوند؛ همچنین، با اینکه یکی از سرفصل‌های درس برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی، مربوط به ساختار و نهادهای برنامه‌ریزی آموزش عالی است، اما در عمل مباحث یادشده بیشتر به مباحث نظری سیستمی و پیچیدگی آموزش عالی پرداخته می‌شود و مباحث مربوط به سیاست‌گذاری و تحلیل سیاست جایگاهی در آن نداشته است؛ بنابراین، ضرورت بازنگری سرفصل‌ها و تغییر عنوان این درس به «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی» می‌تواند به کاربردی کردن دوره کمک کند.

مضمون ۳: آسیب‌شناسی برنامه درسی دوره در نسبت واحدهای درسی ضروری؛ اما غفلت شده

طبق نظرات و دیدگاه‌های اساتید، دانش‌آموختگان و صاحب‌نظران حوزه مدیریت و برنامه‌ریزی عالی، آسیب‌های برنامه درسی موجود رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی) در مقطع کارشناسی ارشد در نسبت واحدهای درسی ضروری شامل ۴ مقوله کم-توجهی به مبانی فلسفی آموزش عالی در برنامه درسی دوره؛ نادیده گرفته شدن مباحث و موضوعات ویژه آموزش عالی در برنامه درسی دوره؛ کم‌توجهی به تاریخ تحولات آموزش عالی

ایران و جهان در برنامه درسی دوره و خالی بودن جای مباحث آینده‌پژوهی آموزش عالی در برنامه درسی دوره است. در ادامه هر مقوله شناسایی شده تبیین و شرح داده خواهد شد؛

جدول (۵): آسیب‌شناسی برنامه درسی دوره در نسبت واحدهای درسی ضروری؛ اما غفلت شده

مضمون	مقوله‌ها	کدهای باز
آسیب- شناسی برنامه درسی دوره در نسبت واحدهای درسی ضروری؛ اما غفلت شده	کم‌توجهی به مبانی فلسفی آموزش عالی در برنامه درسی دوره	ضرورت پرداختن به مبانی فلسفی آموزش عالی، نبود واحد درسی مبانی فلسفی آموزش عالی، توجه به فلسفه و رسالت‌های دانشگاه و آموزش عالی در بازنگری رشته و لزوم واحد درسی مبانی فلسفی آموزش عالی
	نادیده گرفته شدن مباحث و موضوعات ویژه آموزش عالی در برنامه درسی دوره	لزوم پرداختن به مباحث و موضوعات ویژه و جدید در آموزش عالی، عدم توجه به مباحث و مسائل جاری و روز آموزش عالی در برنامه درسی دوره، عدم پاسخگویی رشته به بحران‌ها و مسائل دانشگاه، عدم توجه به مباحث ویژه آموزش عالی در بازنگری برنامه درسی دوره، متفاوت بودن واحد درسی کارورزی و سمینار با واحد درسی موضوعات و مباحث ویژه در آموزش عالی، تعریف درس مباحث و موضوعات ویژه آموزش عالی در دروس انتخابی، کلان‌نگری در برنامه درسی دوره و غفلت از مباحث و مسائل جاری، عدم توجه به مباحث و چالش‌های نوع دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در برنامه درسی دوره، لزوم آشنایی دانشجویان با مباحث و چالش‌های آموزش عالی و لزوم طراحی واحد درسی با عنوان مباحث ویژه در آموزش عالی
	کم‌توجهی به تاریخ تحولات آموزش عالی ایران و جهان	نادیده گرفته شدن تحولات آموزش عالی در کشور، منطقه و جهان، در نظر نگرفتن تاریخ آموزش عالی ایران در برنامه درسی دوره، آگاه نبودن دانشجویان از تاریخ و شرایط رشد و توسعه دانشگاه، آگاهی سطحی از ریشه‌های اتفاقات آموزش عالی در بافت بومی کشور و توجه به تاریخ آموزش عالی در بازنگری رشته
	خالی بودن جای مباحث آینده‌پژوهی آموزش عالی در برنامه درسی دوره	در نظر نگرفتن جایگاهی برای درس آینده‌پژوهی در آموزش عالی، کم‌توجهی به روندها و تحولات آتی آموزش عالی و لزوم توجه به کلان‌روندهای موجود در حوزه آموزش عالی

مقوله ۱. کم‌توجهی به مبانی فلسفی آموزش عالی در برنامه درسی دوره

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

طبق نظرات برخی از مصاحبه‌شوندگان، در برنامه درسی دوره «مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی» نسبت به مبانی فلسفی این حوزه کم‌توجهی شده است؛ در واقع، به اعتقاد مصاحبه‌شوندگان، فلسفه آموزش عالی باید مبنای هرگونه برنامه‌ریزی و توسعه در این حوزه قرار بگیرد. وجود این درس می‌تواند چشم‌انداز و بینش کلی در اختیار دانشجویان قرار دهد.

مقوله ۲. نادیده گرفته شدن مباحث و موضوعات ویژه آموزش عالی در برنامه درسی

دوره

منظور از مباحث و موضوعات ویژه، مسائل جاری و روز رشته است که بر اساس تشخیص استاد و دانشجویان از روندهای بین‌المللی و شرایط محلی موردبررسی قرار می‌گیرد. درس مباحث ویژه، این اختیار را به دانشجویان و استاد می‌دهد که آخرین مباحث و مقاله‌ها را در زمینه آموزش عالی مطالعه کرده و رویدادهای حوزه را دنبال نمایند. این درس، امکان به‌روز بودن اساتید و دانشجویان و ورود به مسائل خاص و جزئی؛ مانند بهداشت حرفه‌ای، بین‌المللی شدن و اشتغال دانشجویی و تربیت نیروی حرفه‌ای برای موقعیت‌های مختلف را در حوزه آموزش عالی فراهم می‌آورد.

مقوله ۳. کم‌توجهی به تاریخ تحولات آموزش عالی ایران و جهان در برنامه درسی دوره

پرداختن به تاریخ و وضعیت گذشته و تحولات آموزش عالی در کشورهای مختلف، به‌عنوان پیش‌نیاز شناخت وضعیت موجود و ریشه‌های مسائل موجود مطرح است. مشکلات همواره زمینه‌مند بوده و هر کدام در بستر تاریخی خاصی اتفاق می‌افتند و با گذشت زمان به رشد و بلوغ سیستم‌ها کمک می‌کنند؛ توجه به سرگذشت دانشگاه‌های جهان، دانشجویان را با مسائل گذشته و جدید این حوزه آشنا کرده و علایق و فعالیت‌های علمی‌شان را هدفمند می‌کند. در برنامه درسی دوره آموزش عالی در کشورهای دیگر، مخصوصاً ایالات‌متحده به موضوع تاریخ آموزش عالی این کشور توجه ویژه شده و جزو دروس اصلی آن قرار گرفته است؛ اما جای خالی این درس در برنامه درسی این دوره در کشور احساس می‌شود. در این راستا، افزودن درسی با عنوان «تاریخ و تحولات آموزش عالی ایران و جهان» برای جبران این کمبود ضروری به نظر می‌رسد.

مقوله ۴. خالی بودن جای مباحث آینده‌پژوهی آموزش عالی در برنامه درسی دوره

امروزه، آینده‌پژوهی به‌عنوان یکی از موضوعات راهبردی در فضای علمی دنیا مطرح است و در حوزه آموزش عالی با تغییرات سریع، اهمیت مضاعف پیدا می‌کند. آموزش عالی، در حال تجربه روندهای جهانی، مانند گسترش فناوری اطلاعات، دانشگاه آنلاین، آموزش مجازی، بین‌المللی شدن، رقابتی شدن و ... است. این روندها، ماهیت و ویژگی‌های دانشگاه‌ها و کارکردهای آن را در آینده شکل خواهد داد و مدیریت و برنامه‌ریزی در این حوزه را به شدت تحت تأثیر قرار

خواهد داد. با توجه به این که هیچیک از دروس دوره، حاوی مباحثی درباره آینده پژوهی نمی- باشد، گنجاندن درسی با عنوان «آینده پژوهی در آموزش عالی» می تواند به غنای بیشتر بینشی و دانشی دانش آموختگان این دوره کمک کند.

۳. مشخصات برنامه درسی پیشنهادی برای دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی، چیست؟

از طریق آسیب شناسی وضعیت موجود برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی گرایش مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی و بررسی دیدگاه های اساتید، دانش آموختگان و صاحب نظران حوزه مدیریت و برنامه ریزی عالی در خصوص عناصر چهارگانه اصلی برنامه درسی (هدف، محتوا، فعالیت های یاددهی-یادگیری و روش های ارزشیابی)، برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی ارائه و پیشنهاد داده شده است؛
جدول (۶): برنامه درسی پیشنهادی دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت و برنامه ریزی آموزش

عالی

نوع درس	عنوان درس		منبع پیشنهاد درس	واحد		نوع درس و توضیحات
	نظری	عملی				
اصلی (۱۴) واحد	۱- فلسفه آموزش عالی (واحد درسی جدید)	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب شناسی برنامه درسی موجود	-	تدریس تیمی	
	۲- جامعه شناسی آموزش عالی (اصلاح واحد درسی موجود با عنوان «جامعه شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی» + لزوم اصلاح در سرفصل فعلی)	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب شناسی برنامه درسی موجود	*	-	
	۳- تاریخ تحولات آموزش عالی ایران و جهان (واحد درسی جدید)	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب شناسی برنامه درسی موجود	-	-	
	۴- شناخت و تحلیل تطبیقی نظام آموزش عالی ایران و جهان (اصلاح واحد درسی موجود با عنوان «مدیریت و برنامه ریزی تطبیقی در آموزش عالی + لزوم اصلاح در سرفصل)	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب شناسی برنامه درسی موجود	*	تدریس تیمی	
	۵- روش های تحقیق در آموزش عالی (واحد درسی موجود)	۲	برنامه درسی موجود	۱	-	
	۶- کاربرد روش های آماری در آموزش عالی (واحد درسی موجود)	۲	برنامه درسی موجود	۱	-	
	۷- سازمان و مدیریت آموزش عالی (اصلاح واحد درسی موجود با عنوان «اصول مدیریت آموزش عالی» + لزوم اصلاح در سرفصل فعلی)	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب شناسی برنامه درسی موجود	*	انتخابی - برحسب نیاز و علاقه حرفه ای و با تأیید استاد مشاور گروه	
	۸- مدیریت منابع انسانی در آموزش عالی	۲	آسیب شناسی برنامه	*		
انتخابی متمرکز بر فعالیت های حرفه ای)	مدیریت					

نوع درس و توضیحات	واحد		منبع پیشنهاد درس	عنوان درس	نوع درس
	عملی	نظری			
			درسی موجود	(لزوم اصلاح در سرفصل فعلی)	۸ واحد)
	*	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود	۹- اقتصاد و مدیریت مالی آموزش عالی (اصلاح واحد درسی موجود با عنوان «مدیریت امور مالی و اداری در دانشگاه‌ها + لزوم اصلاح در سرفصل فعلی)	
	*	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود	۱۰- موضوعات و مباحث ویژه در رهبری و مدیریت آموزش عالی (واحد درسی جدید)	
	*	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود	۷- آمایش و تحلیل فضاهای آموزش عالی (اصلاح واحد درسی موجود با عنوان «شناخت و تحلیل فضاهای آموزشی در آموزش عالی» + لزوم اصلاح در سرفصل فعلی)	
	*	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود	۸- آینده‌پژوهی آموزش عالی (واحد درسی جدید)	سیاست‌گذاری
	*	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود	۹- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی (اصلاح واحد درسی موجود با عنوان «برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی + لزوم اصلاح در سرفصل فعلی)	
	*	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود	۱۰- موضوعات و مباحث ویژه در سیاست‌گذاری آموزش عالی (واحد درسی جدید)	
	*	۲	برنامه درسی موجود	۷- برنامه‌ریزی درسی در آموزش عالی (واحد درسی موجود)	
	*	۲	برنامه درسی موجود	۸- مبانی و روش‌های آموزش از راه دور (واحد درسی موجود)	امور آموزشی و درسی
	*	۲	برنامه درسی موجود	۹- نظارت و ارزشیابی آموزش عالی (واحد درسی موجود)	
*	۲	مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود	۱۰- موضوعات و مباحث ویژه امور آموزشی و درسی آموزش عالی (واحد درسی جدید)		

نوع درس و - توضیحات	واحد		منبع پیشنهاد درس	عنوان درس	نوع درس
	عملی	نظری			
اختیاری - مشترک بین تمامی گرایش‌های گروه علوم تربیتی بوده و گروه اختیار تعریف و اضافه کردن دروس را خواهد داشت. همچنین امکان انتخاب این دروس از سایر دانشگاه‌ها و دانشکده‌ها وجود خواهد داشت.	*	۴ - ۸	مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود	۱۱- فقه و نظام سازی در آموزش(۲)، فرهنگ و تربیت(۲)، فلسفه علم و فناوری(۲)، مبانی حقوقی آموزش(۲)، سیاست‌های اجتماعی و نظام آموزش(۲)، تعلیم و تربیت تطبیقی(۲)، مبانی فن‌آوری‌های آموزشی(۲)، تربیت اسلامی(۲)، سیاست و تعلیم و تربیت(۲)، اخلاق حرفه‌ای در آموزش(۲)، تحلیل نرم‌افزارهای آماری، سیاست‌گذاری آموزشی (۲ واحد)، متون تخصصی (۲ واحد)	اختیاری (آموزش محور: ۸ واحد - پژوهش محور: ۴ واحد)
الزامی - انتخاب بر مبنای دروس انتخابی	۲	-	مطالعه تطبیقی و آسیب‌شناسی برنامه درسی موجود	۱۲- سمینار تخصصی - حرفه‌ای بر مبنای کارروزی (اصلاح واحد درسی موجود با عنوان «سمینار بر مبنای کارروزی برنامه- ریزی در آموزش عالی» و اصلاح رویکرد آن)	
الزامی برای دوره پژوهش محور - انتخاب بر مبنای دروس انتخابی	۴	-	برنامه درسی موجود	۱۳- پایان‌نامه (واحد درسی موجود)	

همان‌طور که جدول شماره ۴ نشان می‌دهد، از آنجاکه به مبانی نظری، الگوها و روش‌های
تجزیه و تحلیل خاص آموزش عالی در درس «اصول مدیریت آموزش عالی» کم‌توجهی شده

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

است، پیشنهاد می‌شود ذیل این درس، سرفصل‌هایی تحت عناوین نظریات آموزش عالی، مدل‌های دانشگاهی، مدل‌های مدیریت و رهبری و غیره گنجانده شوند و عنوان درس به مانند دانشگاه بریتیش کلمبیا به «سازمان و مدیریت آموزش عالی» تغییر یابد. از طرفی، محتوا و مباحث درس «بررسی تطبیقی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی» از جامعیت لازم برخوردار نیست. ملاحظه سرفصل این درس نشان می‌دهد که تأکید و تمرکز آن، بیشتر بر روش‌شناسی مطالعه تطبیقی و مقایسه میان نظام‌های مختلف است و جنبه شناختی این نوع بررسی‌ها و آشنایی با تفاوت‌های و شباهت‌های نظام‌های آموزش عالی مختلف مدنظر نبوده است؛ درحالی‌که لازم است با گذراندن این درس، دانشجویان با فضای آموزش عالی کشورهای دیگر، سیستم‌های آموزش عالی مختلف، شیوه‌های سیاست‌گذاری، پذیرش دانشجو و یاددهی و یادگیری و روش‌های پژوهشی مربوطه آشنایی پیدا کنند. جالب توجه است که در عنوان این درس «مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی» قید شده است ولی سرفصل‌های ذکرشده، حول موضوع آموزش و پرورش تطبیقی و روش‌شناسی پژوهش متمرکز شده است. همچنین، یکی از نقاط ضعف دانشجویان و دانش‌آموختگان دوره «مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی» این است که نسبت به ساختارها و نهادها، مدیریت و برنامه‌ریزی، انواع مؤسسات آموزش عالی و ... کشور و جهان و مسائل و چالش‌های آموزش عالی (گسترش کمی آموزش عالی، آمایش آموزش عالی، بیکاری دانش‌آموختگان و ...) اطلاع و شناخت کافی ندارند و از تحلیل مستقل و تطبیقی آن‌ها عاجز هستند. بنابراین، پیشنهاد می‌شود عنوان این درس به «شناخت و تحلیل تطبیقی آموزش عالی ایران و جهان» تغییر پیدا کرده و سرفصل آن متناسب با این عنوان اصلاح شود تا صرفاً به مباحث روش‌شناختی محدود نشده و از پرداختن به مطالب حوزه‌های دیگر پرهیز شود؛ لازم به ذکر است که در طراحی سرفصل‌های درسی و تهیه محتوا برای آن‌ها، به‌خصوص در درس «مدیریت منابع انسانی در آموزش عالی»، عوامل و عناصر مخصوص آموزش عالی، شامل مدیران، اعضای هیئت‌علمی و دانشجویان و فرهنگی سازمانی مؤسسات علمی موردتوجه قرار گیرد؛ این در حالی است که بسیاری از واحدهای دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی از رشته‌های دیگری، مانند مدیریت دولتی و بازرگانی، مدیریت آموزشی و سایر رشته‌ها وام گرفته شده است و هنوز حالت بومی و اختصاصی برای این دوره پیدا نکرده‌اند. لذا، بازنگری و اصلاح اهداف و سرفصل‌های این دروس متناسب با زیست‌بوم و ماهیت رشته ضروری است. از سوی دیگر، در برنامه درسی موجود، سرفصل درس «تحلیل و شناخت فضاهای آموزشی در آموزش عالی» با نگاه تقلیل‌گرایانه تدوین شده است. در این برنامه، منظور از فضاهای آموزشی به «فضاهای طبیعی و مصنوعی»، «فضای کالبدی»، ویژگی‌های فضاهای فیزیکی مانند «اندازه، نور و ...» و غیره تفسیر شده است. درحالی‌که فضای آموزشی، دامنه وسیعی از محیط‌های یاددهی و یادگیری در سطح

پردیس، مانند کلاس‌های درس، کتابخانه‌ها، تالار سخنرانی، مرکز دانشجویی، غذاخوری، فضای باز دانشگاه، خوابگاه دانشجویی و فضاهای اداری و از طرف دیگر در سطح کلان، شامل اقلیم‌ها و محیط‌های جغرافیایی مختلف در شهرها و استان‌های کشور و الزامات زیستی خاص در هرکدام را در برمی‌گیرد. حتی می‌توان تحلیل فضاهای آموزشی را به‌گونه‌ای توسعه بخشید که علاوه بر فضاهای فیزیکی و طبیعی، فضاهای علمی و فکری، اجتماعات یادگیری و فضای گفتمان علمی را نیز دربرگیرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود متناسب با این مباحث عنوان این درس به «آمایش و تحلیل فضاهای آموزش عالی» تغییر یابد و متناسب با آن، اهداف و سرفصل‌های این درس اصلاح و تکمیل گردد؛ در رابطه با درس «مدیریت امور مالی واداری در دانشگاه‌ها» به خاطر این‌که امور اداری همواره موضوعات مورد بی‌توجهی قرار می‌گیرد، توصیه می‌شود مباحث مربوط به امور اداری به سرفصل‌های درس سازمان و مدیریت آموزش عالی انتقال یابد و عنوان این درس نیز به «اقتصاد و مدیریت مالی در آموزش عالی» تغییر یابد و متناسب با آن اهداف و انتظارات از این درس و سرفصل‌های آن به‌صورت دقیق و جزئی بیان شوند. تفاوت این درس با مدیریت مالی در دانشکده‌های حسابداری روشن شود و در سرفصل‌های آن به مباحث کلی سازمان‌های غیر آکادمیک یا صرفاً درون‌دانشگاهی بسنده نشده و به‌مانند دانشگاه‌های مورد مطالعه (دانشگاه هاروارد، تورنتو، پنسلوانیا و ...) به مباحث مالی دانشگاه‌ها، نظریه‌های اقتصادی کلان و خرد و مالیه آموزش عالی، الگوهای جذب، تأمین و تخصیص مالی، کمک‌های مالی، متنوع‌سازی منابع دانشگاه‌ها، بودجه‌بندی، توابع هزینه‌ها، سرمایه‌گذاری در آموزش و اقتصاد کلان، و بودجه آموزشی و کیفیت، بازار کار و غیره موردتوجه قرار گیرد؛ همچنین در رابطه با درس «جامعه‌شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی»، معطوف کردن سرفصل این درس تنها به مباحث تغییر و نوآوری، منجر به محدود کردن آن و بهره نبردن از سایر مسائل مهم مانند جامعه‌شناسی علم و معرفت، اخلاق علم، نظریه و پژوهش جامعه‌شناختی در مورد مسائل آموزش عالی و غیره در این حوزه می‌شود. بهتر است عنوان این درس به‌عنوان «جامعه‌شناسی آموزش عالی» تغییر یابد و علاوه بر بازنگری در سرفصل‌های آن، جامعه‌شناسی تغییر و نوآوری در آموزش عالی نیز صرفاً به‌عنوان یکی از سرفصل‌های آن نگریسته شود. همچنین، بایستی تدبیری اندیشیده شود تا از انحراف این درس به‌سوی جامعه‌شناسی آموزش و پرورش یا مباحث جامعه‌شناسی صرف جلوگیری شود. از سوی دیگر یافته‌های پژوهش در رابطه با درس «برنامه‌ریزی توسعه آموزش عالی»، نشان می‌دهد که مباحث مربوط به سیاست‌گذاری آموزش عالی کم‌رنگ بوده و دانشجویان زمینه‌آشنایی با سیاست‌گذاری آموزش عالی و همچنین تسلط لازم بر روش‌های مسئله‌شناسی و پژوهشی جهت تدوین سیاست‌های جدید را پیدا نمی‌کنند، این در حالی است که یافته‌های

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بخش مهمی از حوزه کاری نظام آموزش عالی، مباحث سیاست‌گذاری (مبانی و اصول، رویکردها، روش‌ها و ...)، سیاست‌پژوهی در خصوص سیاست‌ها و اسناد بالادستی، سیاست‌های کلان و مقررات و آیین‌نامه‌های اجرایی، تحلیل اثر و نتایج سیاست‌های اجتماعی، اقتصادی دولت بر حوزه آموزش عالی، تحلیل بازیگران و ذی‌نفعان و تدوین سیاست‌های و برنامه‌ریزی راهبردی این حوزه است. لذا، پیشنهاد می‌گردد عنوان این درس به «سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزش عالی» تغییر یافته و متناسب با آن سرفصل‌های این درس نیز بازنگری، اصلاح و تکمیل گردد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به تغییرات مستمر و پرسرعت علم و فناوری و مسائل و چالش‌های پیش رو در عرصه آموزش عالی، عدم به‌روزرسانی و بازنگری برنامه درسی، رشته‌های تحصیلی را به مرور زمان به یک برنامه منسوخ تبدیل می‌کند و بدیهی است اجرای چنین برنامه‌ای بدون بازنگری عمیق آن منجر به عدم تحقق اهدافی همچون تربیت متخصصینی کارآمد در زمینه‌ی آموزش عالی خواهد شد؛ در این میان، در شرایط کنونی لازم است در راستای برنامه‌ریزی درسی اثربخش و بازنگری و بهبود و اصلاح برنامه‌های درسی فعالیت‌های متعددی از جمله پژوهش‌هایی در رشته‌های مختلف به‌طور مجزا انجام گیرند؛ در این میان، یافته‌های این پژوهش بیانگر تجربه‌ی بازنگری برنامه درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی) در مقطع کارشناسی ارشد بوده است؛

بدین ترتیب، بر اساس یافته‌های این پژوهش که باهدف بازنگری برنامه درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی) در مقطع کارشناسی ارشد و آسیب‌شناسی رویکردی و اصولی، محتوای برنامه‌ها و سرفصل‌ها انجام شده است، در برنامه درسی موجود دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، ساختارگرایی حاکم است و کارکردهای آموزش عالی و دانشگاه‌ها کم‌رنگ هستند؛ این در حالی است که دانشگاه‌ها، کارکردها و مسائل اساسی‌تری مانند تربیت نیروی انسانی، تولید علم، برابری و توسعه، تنوع و چند فرهنگی، نوآوری و خلاقیت، محیط و فرهنگ یادگیری و توسعه حرفه‌ای، زندگی دانشجویی و... دارند که باید دانش‌آموختگان این دوره، به فهم عمیقی نسبت به این کارکردها دست پیدا کنند. از سوی دیگر، در برنامه درسی فعلی دوره مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، نگرش حاکم بر مدیریت دولتی و بازرگانی و مدیریت آموزشی غلبه دارد؛ لذا تفاوت‌های بخش آموزش عالی و دانشگاه‌ها از بخش‌های دیگر، مثل آموزش و پرورش و سازمان‌های دولتی و خصوصی و بازتاب آن در واحدهای درسی و محتوای این دوره لحاظ نشده است؛ شاید به این دلیل که به دست کارشناسان و متخصصان این حوزه‌ها طراحی شده است. لذا، بازنگری دوره متناسب با هویت مستقل آن و متمایز از سایر رشته‌های

نزدیک ضروری است؛ همچنین قابل ذکر است که اهداف تعیین شده در برنامه درسی موجود، بیشتر بر نگرش صرف آکادمیک و گستره نظری دانش مدیریت و برنامه ریزی مبتنی بوده و از دانشجویان انتظار می رود که دانش موجود در این حوزه را فراگیرند. این رویکرد، با سبک پذیرفته شده در دانشگاه های پیشرو برای طرح برنامه درسی دوره های تحصیلات تکمیلی سازگار نیست. در بازنگری اهداف دوره، بایستی سیاست های بالادستی نظام آموزش عالی، نیازهای جامعه و بازار کار، نیازها و علایق متقاضیان، زیست بوم دانشگاه ایرانی و آینده نگری آموزش عالی به عنوان اصول موضوعه مورد توجه قرار گیرد. در واقع، روش های تدریس غالب اعضای هیئت علمی در دوره مدیریت و برنامه ریزی آموزش عالی در کشور، بیشتر روش تدریس سنتی سخنرانی و ارائه برخی از مباحث توسط دانشجویان است؛ در حالی که تنها استفاده از روش تدریس سخنرانی برای درس های مختلف، فرصت های یادگیری مطلوب و جذابی را برای دانشجویان فراهم نمی آورد؛ بلکه بایستی اساتید بر اساس هدف، محتوایی و موقعیتی که تدریس می کنند از یک یا چند روش تدریس به صورت تلفیقی کمک بگیرند. روش های تدریس بسیار متنوعی وجود دارد؛ از قبیل روش تدریس فرایندی، مبتنی بر خلاقیت، رویدادی، مبتنی بر تفکر انتقادی، بحث گروهی، مبتنی بر ایفای نقش، آزمایشگاهی، کاوشگری و ... که متأسفانه کمتر مورد توجه اساتید قرار می گیرد. مطالعه روش های تدریس مورد استفاده در دانشگاه های منتخب همچون هاروارد، مریلند، پنسیلوانیا، تورنتوی کانادا نیز، روش های متنوع و مفیدی را در اختیار قرار می دهد که برخی از آن ها عبارتند از: یادگیری به روش موردی، استفاده از سخنرانان مهمان، یادگیری و بحث دو نفری، یادگیری پروژه محور، پروژه زمینه محور، بحث گروهی، یادگیری آنلاین و تلفیقی، یادگیری تیمی، شبیه سازی بازی نقش، متون چند رسانه، کارآموزی و جلسات آزمایشگاهی. توجه به سبک ها و روش های متنوع و بهره گیری از آن ها بر اساس درس و موقعیت مورد نظر، می توان بخشی از مشکلات موجود در این زمینه را برطرف نماید؛

بنابراین، قسمتی از مسائل موجود درباره روش های تدریس و فعالیت های یادگیری، به کل نظام آموزش عالی و تأیید صلاحیت های حرفه ای و آموزشی اعضای هیئت علمی مربوط است. در حال حاضر، این تصور و ذهنیت مبنی بر اینکه به محض اینکه فردی دانش آموخته مقطع دکتری و متخصص در یک رشته شد، می تواند از عهده مسئولیت های آموزشی و تدریس در آن رشته نیز برآید، می تواند آسیب های جدی به کیفیت آموزش و سطح سواد دانش آموختگان دانشگاه های کشور وارد کند؛ این در حالی است که امروزه در غالب دانشگاه های دنیا به مقوله پداگوژی، هنر تعلیم و تربیت، مهارت تدریس، اداره کلاس، توانایی برقراری ارتباط با دانشجویان و معماری محیط یاددهی و یادگیری به عنوان یک تخصص و علم نگاه می شود و نه به عنوان ویژگی ذاتی و

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

وراثتی. در تمامی دانشگاه‌های مطرح، واحدهایی با عنوان «مراکز یاددهی و یادگیری»^۱ یا «مراکز بالندگی هیئت‌علمی»^۲ ایجاد شده است که افزایش سطح دانش و مهارت‌های تدریس اعضای هیئت‌علمی و بهبود محیط و فرصت‌های یادگیری برای دانشجویان را به‌عنوان مأموریت اصلی خود تعریف کرده‌اند. خلأ نبود این مراکز در دانشگاه‌های ایران بسیار محسوس است و برای حل ریشه‌ای مسائل مربوط به ضعف فعالیت‌های یاددهی و یادگیری باید به تأسیس چنین مراکزی همت گماشت. از سوی دیگر، به تبع غلبه روش آموزشی نظری در برگزاری دوره‌ها در دانشگاه‌های کشور، روش ارزشیابی در اکثر موارد برگرفتن آزمون کتبی و حافظه‌محوری متکی است؛ درحالی‌که استفاده از روش‌های ارزشیابی متعدد می‌تواند سطوح بالای یادگیری دانشجویان را تحریک و مطالعات و فعالیت‌های علمی ایشان را تحت تأثیر قرار دهد؛ بر فرض مثال در برنامه درسی رشته آموزش عالی در دانشگاه هاروارد، ملاک‌هایی مانند انجام مصاحبه، تدوین مطالعه موردی، نگارش مقاله تحلیلی، تدوین یک سیاست، تهیه ارائه، تدوین نظریه عمل، کاربرد نرم‌افزار و غیره در ارزشیابی سطح فراگیری دانشجویان معمول است. همچنین، در دانشگاه مریلند، ملاک‌هایی مانند مشارکت در کلاس، نوشتن اتوبیوگرافی از علایق و سوابق خویش، انجام پروژه انفرادی، پروژه تیمی، بازتاب انتقادی درباره موضوعات مطرح‌شده، بررسی کتاب و مقاله‌ها ارائه کلاسی، ارائه مقالات تحلیلی و غیره مورد توجه بوده است. جالب است که استفاده از امتحان کتبی، جایگاهی در ارزشیابی دانشجویان ندارد. انتظار می‌رود که در بازنگری برنامه درسی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی، با افزایش تعداد دروس عملی و تنوع‌بخشی به سبک‌های تدریس، رویکردها، ملاک‌ها و روش‌های ارزشیابی نیز تحول یابند و گامی به سمت روش‌های ارزشیابی نوین برداشته شود. در واقع، ملاحظه منابع کنکور رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزش عالی گواه این مطلب است که دروسی از علوم تربیتی در آن گنجانده شده است که کمترین ارتباطی با آموزش عالی و نیازهای شغلی این حوزه ندارد یا حداکثر مربوط به آموزش‌وپرورش و مدرسه است؛ درس‌هایی مانند «روش‌ها و فنون تدریس»، «سنجش و اندازه‌گیری در تعلیم و تربیت»، «نظارت و راهنمایی در تعلیم و تربیت»، «تکنولوژی آموزشی» و «روانشناسی تربیتی». لذا به نظر می‌رسد بهتر است منابع کنکور آموزش عالی از سایر رشته‌های علوم تربیتی جدا شده و بر مباحث مورد نیاز حوزه آموزش عالی متمرکز شود. در راستای تغییر منابع کنکور دوره پیشنهاد می‌شود درس «سنجش و اندازه‌گیری در تعلیم و تربیت» که جنبه عمومی دارد به درس «کیفیت و ارزشیابی در آموزش عالی» تغییر یابد. همچنین، دروسی به‌عنوان منابع جایگزین برای آزمون ورودی دوره توسط مصاحبه‌شوندگان پیشنهاد شده است؛ از قبیل مبانی آموزش عالی، زبان

¹ Center for teaching and learning

² Center for faculty development

تخصصی، آمار و روش تحقیق، برنامه‌ریزی آموزشی و درسی، جامعه‌شناسی آموزش، مدیریت آموزشی؛ همچنین، رعایت رویکرد فرارشته‌ای به دوره ایجاب می‌کند که ورودی دوره صرفاً به دانشجویان رشته‌های علوم تربیتی محدود نشده و دانشجویانی با زمینه‌های تحصیلی و علاقه‌ای مختلف بتوانند امکان ورود به این رشته را پیدا کنند تا در آینده، نوع پژوهش‌ها و تلاش‌های بعدی آن‌ها در جهت رفع مسائل رشته‌های دیگر سوق یابد.

فهرست منابع

- اسفندیاری، یدالله (۱۳۹۷). ارزشیابی رویکرد بومی‌سازی برنامه درسی کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی بر اساس الگوی کلاین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شاهد
- ایمانی طالب آزاد، لیلیا (۱۳۸۲). بررسی چگونگی اجرای آیین‌نامه واگذاری اختیارات برنامه درسی به دانشگاه‌ها در ده دانشگاه شهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مدیریت درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی
- بناگر، فاطمه (۱۳۹۴). میزان انطباق میان محتوای دروس رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی و برنامه‌ریزی آموزشی دوره کارشناسی ارشد با نیازهای آموزشی دانشجویان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه الزهرا
- بیرامی، محمد (۱۳۹۲). ارزشیابی کیفیت محتوای برنامه‌های درسی مقطع کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، کارآفرینی و توسعه اقتصادی، قم، دانشگاه پیام نور
- تاپت، ملکوم (۱۳۹۶). پژوهش در آموزش عالی، ترجمه علی خورسندی طاسکوه، نعمت اله عزیز و همکاران، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی
- جهانیان، سید نسا (۱۳۹۸). بررسی میزان آموزش مهارت‌های اشتغال‌زای مورد نیاز بازار کار در برنامه درسی کارشناسی ارشد آموزش و بهسازی منابع انسانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤسسه آموزش عالی آمل، دانشکده علوم انسانی
- جواهری دانشمند، محمد؛ ولی پور، محمد و حسین خانی، سعید (۱۳۹۴). ارزیابی کیفیت درونی برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری از دیدگاه دانشجویان دانشگاه خوارزمی، همایش انجمن مطالعات برنامه درسی ایران
- حسینی لرگانی، مریم و فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۹۷). مفهوم‌سازی برنامه درسی زائد در نظام آموزش عالی ایران، فصلنامه پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال پانزدهم، شماره سی، صص ۱-۲۷
- خسروی، محبوبه (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر پذیرش نوآوری‌های برنامه درسی در نظام آموزش عالی، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، دوره ۲۵، صص ۶۹-۷۵

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

- خسروی، محبوبه؛ فتحي و اجارگاه، کوروش؛ ملکی، حسن و نوروزی، داریوش (۱۳۹۲). واکاوی پذیرش نوآوری‌های برنامه درسی در نظام آموزش عالی (مورد مطالعه: آیین‌نامه بازنگری برنامه درسی دانشگاه‌های ایران)، فصلنامه روان‌شناسی تربیتی، شماره ۲۷، سال ۹، صص ۱۶۶-۱۳۵
- رحمان پور، محمد؛ لیاقتدار، محمد جواد؛ شریفیان، فریدون و رضایی، مهران (۱۳۹۷). بررسی وضعیت موجود برنامه درسی کارشناسی ارشد تکنولوژی آموزشی از دیدگاه دانشجویان، نشریه فناوری آموزش، جلد ۱۳، شماره ۲، صص ۳۷۰-۳۶۳
- رسته مقدم، آرش؛ عباس‌پور، عباس و جلالی دیزجی، علی (۱۳۹۵). تأملی بر میراث علمی جهانی رشته مدیریت آموزشی، فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی در نظام‌های آموزشی، دوره ۹، شماره ۱۶، صص ۸۴-۵۱
- سند نقشه جامع علمی کشور، دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۸۹
- نورآبادی، سولماز؛ موسی پور، نعمت الله؛ علی عسگری، مجید و حاجی حسن نژاد، غلامرضا (۱۳۹۳). ارزیابی کیفیت برنامه‌های درسی میان‌رشته‌ای علوم انسانی در نظام دانشگاهی ایران، دو فصلنامه نظریه و عمل در برنامه‌های درسی، سال دوم، شماره ۴، صص ۵۵-۸۴
- شادفر، حوریه؛ لیاقت‌دار، محمد جواد و شریف، مصطفی (۱۳۹۰). بررسی میزان انطباق برنامه درسی رشته مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی با نیازهای دانشجویان، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۶۲، صص ۱۴۶-۱۲۳
- شبیری، محمد و شمسی پاپکیاده، زهرا (۱۳۹۴). ارزشیابی کیفیت درونی برنامه‌ی درسی رشته کارشناسی ارشد علوم تربیتی از دیدگاه استادان، دانشجویان و کارشناسان آموزشی دانشگاه پیام نور، فصلنامه پژوهش در یادگیری آموزشگاهی و مجازی، سال سوم، شماره ۹، صص ۹۴-۸۳
- شفیعی، ناهید (۱۳۸۲). ارزیابی کیفیت درونی و بیرونی برنامه درسی رشته آموزش بزرگسالان مقطع کارشناسی ارشد از سال ۱۳۷۳ تا سال ۱۳۸۲ در دانشگاه شهید بهشتی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته آموزش بزرگسالان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴). ارزیابی برنامه‌ریزی درسی رشته علوم تربیتی (گرایش مدیریت آموزشی) در آموزش عالی ایران از دیدگاه دانشجویان، متخصصان و کارفرمایان، نشریه مطالعات برنامه درسی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۷۴-۴۳
- عارفی، محبوبه (۱۳۸۴). برنامه‌ریزی درسی راهبردی در آموزش عالی، تهران: مرکز انتشارات جهاد دانشگاهی، واحد دانشگاه شهید بهشتی

- عباس پور، عباس؛ رحیمیان، حمید؛ پورکریمی، جواد و تقوی قره بلاغ، حسین(۱۳۹۴). بررسی الگوی توسعه حرفه‌ای دانشجویان دکتری علوم تربیتی بر اساس نظریه زمینهای، فصلنامه انجمن آموزش عالی ایران، سال هفتم، شماره اول، صص ۹۱-۱۱۸
- عبدی، حمید؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم؛ نیلی، محمدرضا و رجایی پور، سعید(۱۳۹۶). تبیین برنامه درسی آینده در راستای تحقق چشم‌اندازها و رسالت‌های آموزش عالی ایران در افق ۱۴۰۴، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال ۸، شماره ۱۶، صص ۵۹-۸۸
- عبدی، علی(۱۳۸۴). ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی در مقطع کارشناسی ارشد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه علامه طباطبایی
- عطاران، عاطفه؛ موسی‌پور، نعمت‌اله، عطاران، محمد و حسینی خواه، علی(۱۳۹۸). طراحی و اعتباربخشی الگوی «بازنگری برنامه درسی تربیت معلم در ایران». پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، سال شانزدهم، دوره دوم، شماره ۳۴، صص ۳۳-۱۴
- غربا، مبینا؛ حمید، رحیمی و دهباشی، اکرم (۱۳۹۷). گسست آموزشی: فاصله برنامه درسی قصد شده و کسب‌شده در نظام آموزش عالی ایران، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال نهم، شماره هفدهم، صص ۹۳-۱۱۴
- فتاحی، بنت الهدی(۱۳۹۰). بررسی تغییر برنامه درسی آموزش عالی؛ مطالعه موردی: برنامه درسی دوره کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه مازندران
- فتحی واجارگاه، کوروش(۱۳۹۲). راهنمای عملی بازنگری برنامه‌های درسی در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، تهران: انتشارات مهربان
- فیوضات، یحیی(۱۳۹۰). مبانی برنامه‌ریزی آموزشی، تهران: مؤسسه‌ی نشر و ویرایش
- قدیمی، سعید و محمدی‌نژاد، بهزاد(۱۳۹۰). شیوه‌نامه تدوین و بازنگری برنامه درسی، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی و پشتیبانی آموزش عالی
- قلی زاده، رضوان؛ آهنچیان، محمدرضا؛ کوهساری، معصومه و نوفرستی، علی(۱۳۹۶). تجربه بازنگری برنامه درسی رشته مدیریت آموزشی در دانشگاه فردوسی مشهد، نامه آموزش عالی، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۹۷-۱۲۴
- قهرمانزاده، فرحناز(۱۳۹۰). ارزیابی کیفی برنامه درسی رشته تکنولوژی آموزشی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه تبریز
- کرمی، مرتضی و فتاحی، هدی(۱۳۹۱). تغییر برنامه درسی آموزش عالی(مورد: برنامه درسی کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی آموزشی)، دو فصلنامه مطالعات برنامه درسی آموزش عالی، سال چهارم، شماره هفتم، صص ۱۱۰-۱۳۶

بازنگری و ارائه برنامه درسی پیشنهادی رشته علوم تربیتی در...

- مشخصات کلی، برنامه درسی و سرفصل دروس دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت و برنامه-ریزی آموزش عالی(۱۳۹۵)، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی
- ملامحمدی، آمنه(۱۳۷۹).ارزیابی کیفیت برنامه درسی رشته‌ی برنامه‌ریزی آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه تهران
- نوروز زاده، رضا؛ محمودی، رضا؛ فتحی واجارگاه، کوروش و نوه ابراهیم، عبدالرحیم(۱۳۸۵). وضعیت سهم مشارکت دانشگاه‌ها در بازنگری برنامه‌های درسی مصوب شورای عالی برنامه‌ریزی، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴۲، صص ۹۳-۷۱
- وقاری زمهریر، زهرا؛ کرمی، مرتضی و جعفری ثانی، حسین(۱۳۹۸).چالش‌های بازنگری و اجرای برنامه‌های درسی در دانشگاه فردوسی مشهد، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۵، شماره ۱، صص ۱۴۷-۱۲۳
- ولی پور، محمد(۱۳۹۰). ارزیابی کیفیت درونی برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی آموزشی در مقطع کارشناسی ارشد از دیدگاه اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی
- یارمحمدیان، محمد حسین و سلمانی زاده، مریم(۱۳۸۵). ارزشیابی نظر دانشجویان و فارغ‌التحصیلان درباره‌ی برنامه‌های درسی رشته‌ی مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، دانش و پژوهش در علوم تربیتی، ۹، صص ۸۶-۷۷
- یزدانی، حمیده(۱۳۸۸). ارزیابی کیفیت درونی و بیرونی برنامه درسی رشته برنامه‌ریزی درسی دوره کارشناسی ارشد، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

• Course Listing of higher education (2019-2020)in University of Meriland, available at: <http://apps.gradschool.umd.edu/Catalog/public-courses-detail.php?EDHI>

• Lapteva,Alla and Efimov Valerii (2016). New Generation of Universities. University 4.0, Journal of Siberian Federal University. Humanities & Social Sciences 11

• Lattuca, L. R. & Stark, J. S. (2009). Shaping the college curriculum: Academic plans in context. John Wiley & Sons.

• Learning outcomes of higher education in UiO(University of Oslo), available at: <http://www.uio.no/english/studies/programmes/higher-education-master/learning-outcomes/>

• Master's Programs of higher education in Harvard Graduate school of Education, available at: <http://www.gse.harvard.edu/masters/highered>

- Programme structure of higher education in UiO(University of Oslo), available at: <http://www.uio.no/english/studies/programmes/higher-education-master/structure/>
- Root Kustritz, M. V., Molgaard, L. K., & Malone, E. (2017). Curriculum review and revision at the University of Minnesota College of Veterinary Medicine. *Journal of Veterinary Medical Education*, 44(3), 459-470 .
- The course of MSc in Education (Higher Education), available at: <https://www.ox.ac.uk/admissions/graduate/courses/msc-education-higher-education?wssl=1>
- Zuti, Bence and Lukovics, Miklós (2015): „Fourth Generation” Universities and Regional Development. Published in: In: Hamm R, Kopper J (eds.) *Higher education institutions and regional development. Proceedings of the 3. ERSAs international workshop*